بمناسبت احتفال پنجصد و پنجاهمین سال
ولادت مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی هروی

آبدات نفیسهٔ هرات

تألیف

سرور گویا اعتمادی

از نشرات انجمن جامی
ریاست تنویر افکار وزارت مطبوعات

عقرب ۱۳۴۳

بمناسبت احتفال پنجصد و پنجاهمین سال
ولادت مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی هروی

PROPERTY OF
ACKU
3004

آبدات نفیسهٔ هرات

تألیف

سرور گویا اعتمادی

0005954

از نشرات انجمن جامی
ریاست تنویر افکار وزارت مطبوعات

عقرب ۱۳۴۳

فروشگاه کتاب شاه محمود
جوار صدارت تیلفون ۲۵۸۸۱

تمثال فرخندهٔ اعلیحضرت معظم همایونی

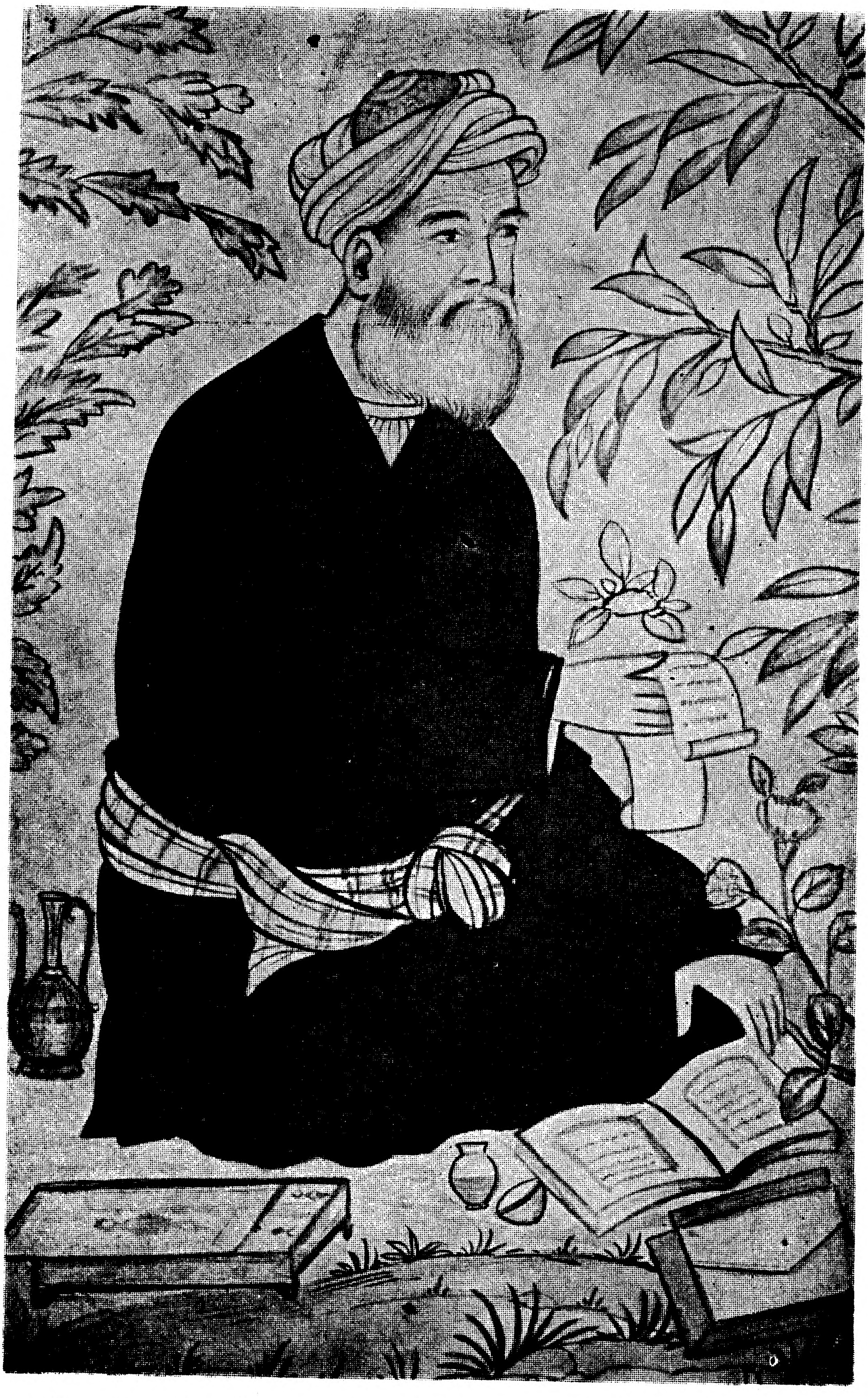

تصویر حضرت مولانا عبدالرحمن که ازروی عمل استاد بهزاد دولت

جهانگیری کپیه نموده

خریطهٔ
شهر هرات و توابع
(مرتبهٔ خانیکوف در ۱۸۵۸)

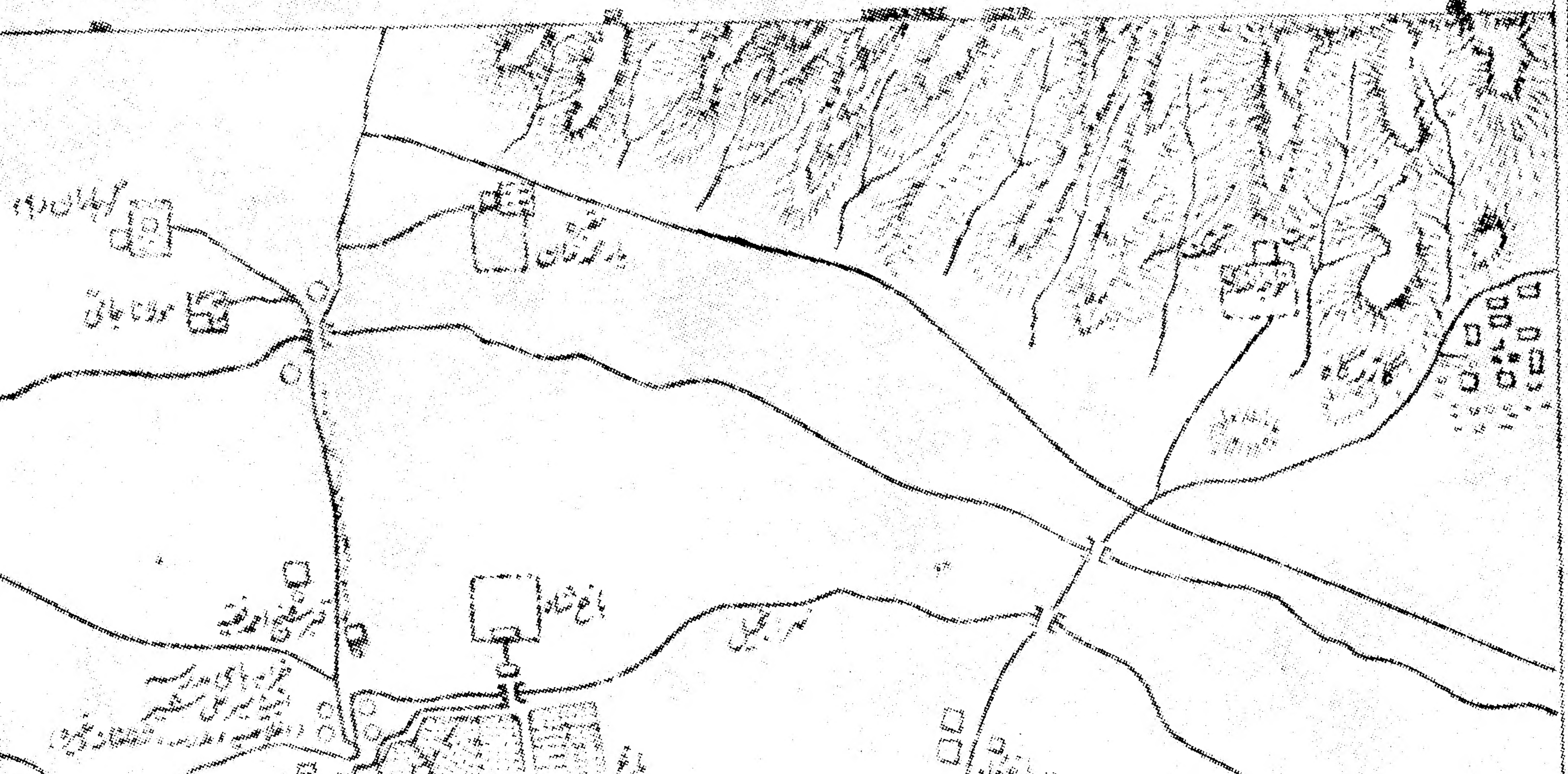

(ماخوذ از مجلهٔ آسیاتیک سنه [illegible])

مقدمه ای بر آبدات نفیسهٔ هرات

تالیف و تتبع فاضل محترم استاد گویا اعتمادی که چندی قبل از طرف انجمن تاریخ چاپ و نشر یافت چندانکه خود مولف اظهار میدارند مطالب را ترجمه نموده و برخی تعلیقات و حواشی و تذکر آن مطالبیکه در تاریخ هنری و ثقافی هرات ارتباط مستقیم داشته است بر آن افزوده اند.

نسخه های چاپی این رساله بکلی کمیاب شدو ذوقمندان این رساله اصرار چاپ آنرا داشتند، انجمن جامی مناسب آن دانست، تا از دو لحاظ این کتاب چاپ مجدد شود و د رصف دگر کتبیکه بمناسبت پنجصدو پنجاهمین سالگرهٔ مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷ — ۸۹۸) چاپ و نشر میشود قرار گیرد.

۱ — آبدات نفیسه هرات بخصوص تعمیر و ترمیم و کاشی کاری مسجد جامع هرات که درعصر جامی بهمت و کوشش امیر علیشیر نوائی مربی و مشوق بزرگ جامی هروی صورت گرفته است و د راین رساله شرح وبسط یافته.

۲ — توضیح و تاریخ گنبد سبز که به نزدیکان سلطان حسین بایقرا ربط و پیوند دارد ودرعصر جامی رنگ هنر گرفته است.

امید است به نشر این رساله ورق دگری بر کتاب تاریخ هنری هرات باستان افزوده شود. «مایل هروی»

بسم الله الرحمن الرحیم

نقشه آثار هرات

اخیر آدر شمارهٔ ماه می ۱۹۴۷ اورینتل کالج مگزین منتشرهٔ پنجاب یونیورستی لاهور مقاله بنام نقشهٔ آثار هرات با یك نقشهٔ آثار هرات مرتبهٔ خانیکوف خاورشناس روسی بترجمه و اضافات دوست فاضل و دانشمند محترم جناب پروفیسور محمد شفیع خان سابق پرنسیپل اورینتل کالج نشر شده و اینك با اضافات و تعلیقات چندی از طرف نگارنده بمطالعهٔ علاقه مندان به آثار و آبدات نفیسهٔ تاریخی تقدیم میشود جناب پروفیسور محمد شفیع از محققین ارجمند و دانشمندان عالی مقام خطهٔ پنجاب اند یعنی همان خطهٔ که بقول غنیمت :

بخوبی ها ز کنعان میبرد دست   برین دعوی که دارم شاهدی هست

مسقط الراس ایشان شهر قصور است و در آن شهر تاریخی بتاریخ ۶ اگست ۱۸۸۳ ع بدنیا آمده اند از زمان صبا الی شباب و از شباب الی شیب

با شوق غریزی وسوق طبیعی بی عدیل خویش به تتمیم فضایل و تکمیل علوم و آداب ادامه داده و امروز با احاطه و تبحری که در علوم و آداب اسلامی دارند یکی از اساتید وارکان بشمارند علاوه برین فضایل و مزایا خدمات بی وقفه و تظاهر بمعنویات جامعه وتعلیم و تربیهٔ فرزندان و شاگردان و بی آزاری نسبت بهر چیز و هر کس وصفای قلب و ضمیر نسبت به همنوعان صفوت وخلوص بادوستان و یاران امداد و کمك به نیازمندان و محتاجان از صفات بارزه ومکارم مشخصهٔ ایشان است دردوران زندگانی علمی خود مقالات ورسالات و کتب بسیار قیمت دار و سودمند که ازذخایر ملی ماست راجع به مفاخر و ماثر وطن عزیز ما نوشته و طبع کرده اند که بعضی از آنان قرار ذیل اند:

(۱) مطلع السعدین در دوجلد با مقدمه و حواشی استادانه و فرهنگ لغات طبع لاهور.

(۲) افغانان قصور شمارهٔ اگست اورینتل کالج میگزین ۱۹۲۸

(۳) دربار سلطان حسین میرزا و سرپرستی علم وهنر شمارهٔ می ۱۹۳٤

(٤) خط وخطاطان (اکثر آن از هرات است) شمارهٔ اگست ۱۹۳٤-۱۹۳٥

(٥) سفرنامه چین از زبدة التواریخ حافظ ابرو. شمارهٔ نومبر ۱۹۲۰

(٦) آداب الحرب والشجاعه (حکایات متعلق بخانوادهٔ غزنویه) شمارهٔ نومبر ۱۹۳۷

اکثر این مقالات ورسالات در دوره های مجله کابل از طرف نگانده ترجمه وطبع شده اخیراً مقالهٔ را که بنام نقشهٔ آثار هرات ترجمه و بلا

اضافات سودمند در اورینتل کالج میگزین طبع نموده اند بفارسی ترجمه وباتعلیقات چند وضمیمهٔ دو مقاله به عنوان مسجد جامع و گنبد سبز بمطالعهٔ خوانندگان میرسد درخاتمه ازطرف عموم علاقه مندان علم وادب و اعضای انجمن تاریخ افغانستان نسبت به خدمات ارجمند و قابل تقدیر و تمجید حضرت پروفیسور در راه علم و دانش و مساعی موفورهٔ شان اظهار تشکر و امتنان می نمایم و توفیق بیشتری را از خداوند کریم برایشان التجا میکنم.

شب مردان خدا روز جهان افروز است

روشنان را بحقیقت شب ظلمانی نیست

سرور گویا اعتمادی

یك نقشهٔ آثار هرات را با اطراف و نواحی آن خانیکوف خاورشناس فاضل روسی در سنه ۱۸۵۸ ع مرتب نموده و در ۱۸۶۰ در ژورنال اشیاتك شایع شده است غرض از نقل و انتشار این نقشه بحروف فارسی کمك و امداد یست بتاریخ هرات و آن هم بهترین دورهٔ آن یعنی زمان سلطان شاه رخ و سلطان حسین بایقرا . راجع به هرات تاریخ های متعدی (شاید اقلاً ۱۲-۱۳) کتاب نوشته شده که از آن جمله روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات است باآنکه این کتاب تاکنون (۱) شایع نشده ولی در هرجا شهرت بسیار دارد در آغاز این کتاب مصنف آن (معین الدین الزمچی الاسفزاری) تاریخ های قدیم هرات راچنین ذکر کرده است :

سلف درباب این بلده خلد آئین کتب ساخته اندو از کیفیت قضایا

«۱» خلاصه این کتاب در ژورنال ایشیاتك بزبان فرانسوی در ۱۸۶۰ ع شایع شده است.

ووقایع تالیفات مشتمل برذکرهرگونه عجایب و بدایع پرداخته مثل
امام ابواسحق احمد بن یاسین وثقةالدین شیخ عبدالرحمن فامی که
تاریخ قدیم هرات رانوشته وربیع فوشنجی که کرت نامه نظم کرده
وسیفی هروی که احوال بعضی ازملوك کرت درقلم آورده .«نسخه
کتابخانه دانشگاه پنجاب » علامه سخاوی در الاعلان بالتوبیخ
ص۱۳۳ نیز تاریخ های هرات راذکرنموده مگرعبارت نسخه مطبوعه
ناقص وممسوخ معلوم میشود بااین هم استادنامبرده میگوید که یك
تاریخ هرات راشیرویه نوشته است ودیگررا ابونصرفامی وضیاء
مقدسی ازکتاب فامی اختصار کرده است ابواسحق احمد بن یاسین
الهروی الحداد نیزدوتاریخ نسبت هرات نوشته است : «احدهما علی
المعجم والاخرلابی عبدالله الحسن بن محمد الکتبی اظن» عبارت
بالاناقص است وتنها این قدرمعلوم می‌شودکه الحداد یك تاریخ به
ترتیب حروف تهجی داشته‌است وازخصوصیت تاریخ دیگرآنچیزی
معلوم نمی شودوهم بطورصحیح مکشوف نمیگردد که الکتبی مصنف
تاریخ جداگانهٔ هرات است یاکسی دیگریست. درکشف الظنون طبع
استانبول ج ۱ ص ۲۳۵ ازهفت تاریخ هرات ذکرگردیده بدین قرار:
تاریخ ابواسحق احمد بن محمد بن یوسف البزازالحافظ تاریخ احمد
بن محمد بن سعید الحداد، تاریخ ابی روح عیسی الهروی متوفی
۵۴۴ تاریخ ابونصرعبدالرحمن بن عبدالجبارالقیسی الحافظ، تاریخ

ثقة الدین عبدالرحمن الفامی (۱)

«وهو اول من صنف فیه» تاریخ نور الدین عبدالرحمن الجامی متوفی ۸۹۸ وروضات الجنات معین الدین الزمچی تالیف ۸۹۸. الفامی متوفی ۵۴۶ که اول من صنف فیه نوشته است چطور نخستین مصنف تاریخ هرات شده میتواند درحالیکه حداد متوفی ۳۴۳ قبل ازوی تاریخ هرات را تصنیف کرده است از کتابهاییکه دربالا ذکر یافته اکثر آن مفقود و ناپیدا ست از آن جمله تاریخ نامهٔ هرات سیفی هروی است (یعنی سیف بن محمد بن یعقوب) که در قرن هشتم تالیف شده وبعد از تصحیح دوست فاضل پروفیسر محمد زبیر صدیقی ازطرف کتابخانهٔ شاهی کلکته دراواخره ۱۹۴۴ ع شایع گردیده ودرسرورق آن سهواً قرن هفتم طبع شده جای افسوس است که دوست فاضل درموقع مقابلهٔ متن سوای نسخهٔ کتابخانهٔ بوهار دیگر نسخهٔ دردست نداشته چنانچه درحاشیهٔ دیباچه کتاب کوشش های ناکامانهٔ خودرا برای بدست آوردن نسخهٔ دیگر ازین کتاب ومخصوصاً نسخهٔ کتابخانهٔ کابل نوشته است آقای سرورخان گویا اعتمادی اواخر مارچ ۱۹۴۷ بغرض شمولیت درانترایشین کنفرانس منعقدهٔ دهلی از کابل بسوی

---

(۱) درکتاب انساب سمعانی ورق ۴۲۸ چنین است: ابو نصرعبدالرحمن بن عبدالجبار بن عثمان الحافظ الفامی من اهل الهرات وکان من اهل العلم والفضل سمع الحدیث الکثیر ونسخه بخط وحصل الاصول، سمع عبدالله بن محمد الانصاری وابا عبدالله العمیری ونجیب بن میمون الواسطی وغیرهم وسمعت منه الکثیر بهرات وفوشنج وکانت ولادته

هند آمدند وهمین نسخهٔ کابل را باخودآورده بودند این نسخه در وقت نگارش این سطور نزدمن است تقطیع این نسخه ۱۰+۶ ونیم انچ است ودارای ۱۹۹ ورق ودرهر صفحه ۱۷ سطر نوشته‌شده وختم این نسخه به این عبارت است(مشوسوی تندی وکین آوری) یعنی به‌کتاب مطبوعه تاصفحهٔ ۵۸۷ سطر۱۱ مساوی است به چند صفحهٔ این نسخهٔ آب رسیده وبعضی جاهاسیاهی آن خراب شده مگرنسخه بسیارخوب وقدیم معلوم میشوداز مقابله‌سرسری باچند صفحهٔ مطبوعه معلوم شدکه دربسیارجاها این نسخهٔ قلمی موادزیادتردارد .

فاضل موصوف (گویااعتمادی) خوب حدس زده‌است که حافظ آبرو ازسیفی مواد کتاب خودرا بی تکلیف نقل کرده است‌شایدبه‌ایشان معلوم نباشدکه دراستانبول نسخهٔ بنام «تاریخ ونسب ملوك کرت بالاجمال» ازحافظ آبروموجوداست‌وبرای معلوم کردن نقل ومقابله به آن شاید مفید ثابت شودنسخهٔ نفیس استانبول درمجموعهٔ حافظ آبروشامل است که درعهد سلطان‌شاهرخ بهادرخان نوشته شده‌رجوع شودبه نوشته‌هوفیلکس تاورراجع به کتابخانه‌ها ومخطوطات تاریخی استانبول درارکیوآورینتالینی شمارهٔ اپریل ۱۹۳۱ ع ج ۳ نمبر۱ پراگ ص ۹۸ .

ازکتاب هـای که درفوق ذکرشده برخی ازآن دردست است که‌ازمطالعهٔ آن مواضع وآثارگردو نواح هرات بخوبی‌معلوم میشود خصوصاً اسفزاری‌که بسیاری ازمقامات وامکنهٔ تاریخی‌هرات را به تفصیل نوشته است پیش ازاسفزاری عبدالرزاق سمرقندی درحالات

هرات رسالهٔ نوشته است چنانچه درمطلع السعدین جلد۲ ص ۱۹۰ مرقوم نموده «شرح بناء دارالسلطنهٔ هرات واحوال بلوکات وحالات ولایات قلم دوزبان بشرح وبیان تقریرنموده وتحریرفرموده هر کرا میل مطالعهٔ آن باشد گورسالهٔ علیحده درآن باب مسطوراست بنظراشرف مشرف سازد» این رساله ازنظرها ناپدیداست ولی مصنف ملطع السعدین ، ازآن عمارات وآثارذکرکرده و تفصیل داده که از عهدشاهرخ وجانشینان وی تاسنه ۸۷۴ پابرجا بوده است. بعد ازمطلع وروضات درخاتمهٔ روضة الصفا نیزازحالات هرات ذکری رفته است علاوه برین خوند میرمتوفی(۹۴۲)درخلاصة الاخبار یك فصلی خاص راجع به صفت دارالسلطنهٔ هرات وبیان بعضی عمارات وبقاع خیر وباغات وشرح حال مشاهیرهرات نوشته است همین فصل رادوست فاضل سرورخان گویا اعتمادی بصورت رسالهٔ مستقل مرتب کرده وبامقدمه وحواشی وفهرست درکابل طبع وازطرف مدیریت عمومی تاریخ (یعنی انجمن تاریخ) در۱۳۲٤ ش شایع شده است این رسالهٔ مختصرو کارآمد درین باب بسیارمفید است وحواشی و تعلیقات آن با منتهای محنت وقابلیت مرتب گردیده است خانیکوف نقشهٔ مرتبهٔ هرات ونواح آن رابایك مکتوبی درژورنال ایشیاتك شایع کرده که خلاصهٔ آن قرارذیل است :

درنقشهٔ هرات همان آثارومقاماتی نشان داده شده که مورخین مسلمان درکتاب های خودخصوصاً مورخین دورهٔ تیمورو جانشین آن شاهرخ در تاریخ های خودکم وبیش ذکری ازآن آثارکرده اند وحصص

مقبره سلطان مودود چشتی در

چشت هرات

عمارت قدیمه مدفن سلاطین غور

درچشت هرات

بیشتر این یادگارها و آثار آن قدر خراب و ویران شده است که بیم آن است که بکلی از بین نرود، و چند سال بعد محال و مشکل خواهد بود که کسی بتواند مواضع حقیقی آن را در یافت کند بنا بر ان در یافت آن صرف از روی واقعات تاریخی آسان و ممکن خواهد بود زیرا که اسامی مواضع با وقایع تاریخی آن وابسته و مربوطه است در نقشه موقعیت باغ زاغان و مصلی دیده میشود مصلی را شاهرخ و خانم آن گوهر شاد آغا بنا کرده و بر سطح یك دیوار کاشی کار مصلی مرثیهٔ شاهرخ نوشته شده است (۱) .

قریب مصلی گنبد گوهرشاد است که دران ۹ شهزادهٔ تیموری مدفون است و ذکر آثان بیاید در نقشه باغ مرادهم دیده میشود این باغ در زمان سلطان حسین میرزا آباد شده بود. گازرگاه درهرات یك مقام مشهور و قدیم است و در آنجا مزارات متعدد و آثار همان مشاهیر یست که تاریخ آسیا بدان متذکر و واقف است و هم قبور پنج شهزاده تیموری در این جاست شاهرخ در سنه ۸۳۲ هجری (۲) بر مزار خواجه عبدالله

(۱) مرثیهٔ شاهرخ نبوده بلکه مرثیهٔ بایسنغر میرزا بوده که بخط بسیار زیبا نگاشته شده بود و این سه بیت از آن مرثیه است :

بسکه رفت از چشم مردم خون دل زین واقعه

خامه را موج سرشك خویش درطوفان نماند

غوطه زد در نیل مصر از مصر گوئی شد عزیز

چین گرفت ابروی چین درچین حگر خاقان نماند

وادریغا حسرتا کز گردش گردون دون برسریر ملك دولت بایسنغرخان نماند

«۲» این تاریخ درست نیست زیرا شاهرخ حکم تعمیر این عمارت را درمحرم ۸۲۹ هـ داده و درسنه ۸۳۰ این عمارت بکلی تکمیل شد . «گویا اعتمادی»

انصاری عمارتی بنا نمود خواجه مذکور در ۳۹۶ (۱) فوت نموده است شاهرخ بنا بر حسن عقیدتی که بحضرت خواجه داشت شبهای جمعه را در این خانقاه میگذراند.

این عمارت مقبول و خوشنما از سنگ مرمر سفید ساخته شده و حجاری بسیار نفیسی از گل و برگ و سایر اشکال داشته (۲) و حاوی کتیبهٔ طویلی بوده است در مطلع السعدین چنین است: «مجموع آن عمارات عالی بعد

---

(۱) این تاریخ غلط است بنا به آنچه در نفحات از خود خواجه انصار نقل شده وقت غروب آفتاب در روز جمعه دوم شعبان ۳۹۶ هجری در فصل بهار که خورشید در هفد هم درجه ثور بود در زمان خلافت القادر بالله عباسی «۳۷۶ - ۴۲۷» متولد گردید و در سال ۴۸۱ هجری در زمان القایم بامرالله عباسی در هرات وفات یافت این رباعی که حاکی از تاریخ وفات حضرتش می باشد در لوح مزارشان منقور است.

آنخواجه که در صورت و معنی شاه است   و ز سر حقیقت دو کون آگاه است

از روی حساب جمل اردانی «فات»   تاریخ وفات خواجه عبدالله است

گویا   (۴۸۱)

(۲) چنانچه تا امروز لوح مزاریکه برفراز تربت حضرت خواجه انصار طاب الله رمسه نصب است از حیث نقاری و حجاری و خطاطی از بدایع عالم و نمایندهٔ صنایع جمیله آن عصر است این همان لوحی است که مولانا عبدالرحمن جامی قدس سره در وصفش فرموده اند.

میل سر مزار پر انوار او کشد   زوار را بدیدهٔ دل کحل انتباه

وهمچنین حسن خان شاملو خطاط معروف در توصیف لوح مزار آن بزرگوار این رباعی را از طبع خود و بقلم خود در یک قطعه سنگ مرمر بسیار شفاف و نفیس که درسمت قبلهٔ مقبره منصوب است نوشته و بنام خود رقم کرده:

دهد تا ساقی عرفان دلت را جام هشیاری   درآ در بزمگاه خواجه عبدالله انصاری «درج»

بود لوح مزارش نازنین سرو یکه از شوخی   ملایک را چو قمری کرده گرم ناله و زاری

«گویا»

از آنکه بسنگ و آجر درغایت لطافت ساخته بکاشی وزرحل ولاجورد زینت یافته وخطها وشکل های معقلی وکوفی وفارسی بسیار بتکلف دراطراف وجوانب پرداخته اند»

بعد از تیموریان فرمانروایانیکه برخراسان متسلط شدند درنگهداشت و تزئین وترمیم این مواضع اندك کوتاهی نکرده اندچنانچه بامرشاه عباس صفوی یك خانقاه بسیار مجلل درین مقام بنا یافت وبحل طلاء نقش ونگار نمودند وبرای پرکردن حوضهای وسیع باغ آن از جاهای بسیار دور آب آورده شدو برای این کار مصارف زیادیکار رفت و باین وسیله گردو نواح آن سیراب گردید وبرای عایدات خانقاه یك ذریعهٔ عمده محسوب گردید. درجانب شمال نقشه مزار مولینا عبدالرحمن جامی رح است (۸۱۷-۸۹۸) عمارت مزار مولینا جامی بعد از وفات شان ساخته شده بطرف شرق مزار جامی یك مقبره وخرابهٔ مدرسه است این بنارا یارمحمدخان برای خود وخانوادهٔ خود بغرض مدفن ساخته بود یارمحمد خان بواسطهٔ واقعاتیکه در ۱۸۳۹ ۱۸۴۰، ۱۸۴۱ ع اتفاق افتادو با انگریزان درتماس بود روشناس مردم یوروپ است یارمحمدخان در۱۲ شعبان ۱۲۶۷ هجری درین مقبره دفن شد مگر ازاتفاقات روزگار باقی افراد خانوادهٔ آن سوای یك برادر وخواهروی درینجا دفن نشدند سنگ مرمر سفید قبر یارمحمدخان شکسته است. درتاریخ وفات تیموریان مورخین اختلاف دارندو ازین جهت الواح مزارات مدفونان مصلی وگازرگاه اهمیت خاص دارد زیرا معاصرین آنان تاریخ وفات آنهارا برین کتیبه ها نوشته وکنده اند ازین

سبب مورد اعتماد شایان است بنا بر ان بقرار ذیل نقل نموده شد :

مدفونان گنبد گوهرشاد آغا (۱) بجوار مصلی

(۱) بایسنغر میرزا بن شاهرخ بن تیمور متوفی در ۶ شهر جمادی الاول ۸۳۶ هجری .

(۲) محمد جوکی بهادر بن شاهرخ متوفی روز جمعه ۸۴۸ هجری

(۳) سلطان احمد بن امیرزاده رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیگ بن شاهرخ متوفی در ۱۵ ذی قعده ۸۶۱ هجری

(٤) گوهرشاد آغا ، بیگم سلطان شاهرخ متوفیه در نصف شهر رمضان ۸۶۱ هجری

(۵) امیرزاده نظام الدین بن احمد بن امیرزاده رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیگ بن شاهرخ متوفی نصف شهر ذی قعده ۸۶۱ هجری .

(۶) ابراهیم سلطان بن علاء الدوله بن بایسنقر بن شاهرخ بن تیمور متوفی بروز چارشنبه ۱۰ رمضان ۸۶۳ هجری

(۷) سلطان علاء الدوله بن بایسنقر بن شاهرخ متوفی ذی حجه ۸۶۳ هجری

(۸) جوکی مرزا بن امیرزاده رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیگ

«۱» خرابهٔ این گنبد باقسمتی از کاشی کاری آن تا حال باقی و بنام گنبد سبز مشهور است ، درین اواخر برای ترمیم این گنبد و تسطیح خیابانها و منارهای مصلی وسائر آثار هرات خصوصاً در تعمیر وتزئین مسجد جامع جناب نائب الحکومه هرات عبدالله خان ملکیار که در احیای آثار تاریخی و تجدید صنایع آن عهد شور وشوق فراوان دارند خدمات قابل تقدیر و تمجید نموده اند که بنده به نوبه خود بنام یکنفر علاقه مند بتاریخ و آثار عمرانی و آبدات نفیسهٔ آن عهد مراتب امتنان و شکر گذاری خود را تقدیم حضورشان نموده و از خداوند بزرگ و کریم توفیق بیشتری در همه امور برای شان التجا مینمایم .

گنبد مقبرهٔ گوهرشاد پس از ترمیم

بن شاهرخ متوفی ۵ ذی حجه ۸۶۸ هجری

(۹) شاهرخ سلطان بن ابی سعید بن سلطان محمد بن میران شاه بن تیمور متوفی ۲۵ شوال ۸۹۸ هجری.

درگازرگاه پنج شهزاده تیموری بقرار ذیل مدفون اند:

(۱) غیاث الدین منصور میرزا ابن عمر شیخ میرزا بن تیمور متوفی ۸۴۹ هجری (۱)

(۲) محمد بن بایقرا ابن عمر شیخ بن تیمور متوفی ۸۵۳ هجری

(۳) محمد مظفر میرزا بن منصور میرزا ابن بایقرا ابن عمر شیخ بن تیمور متوفی ۸۵۳ هجری ودرحاشیهٔ سنگ مزار کنده شده که قبر قاتل وی محمد بن بایسنغر درمشهد است.

(٤) احمد بدیع میرزا ابن منصور میرزا بن بایقرا میرزا ابن عمر شیخ بن تیمور متوفی ۸۶۶ هجری.

---

(۱) درگازرگاه نزدیک مقبرهٔ حضرت خواجهٔ انصار رح تختی است که از سنگ مرمر وسنگ سیاه ساخته شده تخت مذکور مربع و اطراف آنرا از سنگ سیاه بطور خاتم کاری بالای سنگ سفید قرار داده اند باوجود مرور زمان جای وصل سنگهای سفید و سیاه هیچ معلوم نمی شود بروی این تخت چند صندوق سنگ قبر است که یکی از آنها مقبرهٔ غیاث الدین منصور پدر سلطان حسین میرزا بایقرا است. سلطان علی مشهدی خطاط معروف تاریخ تخت مذکور را بصورت کتیبهٔ بسیار شیوا نوشته و برجنب شمالی تخت مذکور نصب است. تاریخ بنای تخت ۸۸۲ و این بیت درپایان کتیبه است

چون بهشت از مرقد منصور سلطان درج نمود   این عمارت را بوجهی بس نکوتاریخ بود

حرره العبد سلطان علی مشهدی-شمارهٔ ۱۰ سال دوم مجله هرات ۱۳۱۲ شمسی

«گویا»

(۵) سلطان بن محمد بایسنغر(۱) بن شاهرخ بن تیمور متوفی ۱۵ ذی‌حجه (سنه فراموش شده) درین جا مضمون مکتوب خانیکوف بپایان رسید واکنون نقل سنگ های مزارشهزادگان تیموری را با بیانات مطلع السعدین مقابله می‌نمائیم از اشخاص نامبرده تنها شمارهٔ (۹) (شاهرخ سلطان بن ابی سعید) که تاریخ وفات آن بعداز تالیف مطلع است وذکر آن درین کتاب نیامده باقی هشت نفر آن که در مطلع ذکر گردیده قرار ذیل است:

۱- بایسنغر بن شاهرخ: تاریخ وفات آن در مطلع صبح شنبه جمادی الاول ۸۳۷ است گویا از نوشته سنگ مزار یك سال بعدتر در سنگ مزار دوجای عدد ۶ آمده ودر مطلع عدد ۷ است بگمان من خانیکوف درهر دوجا عدد ۷ را سهواً ۶ خوانده است وتاریخ مطلع صحیح است وهم درمطلع مرثیهٔ واحدی که برای بایسنغر ساخته بود نقل شده واز آن مرثیه (دل خراب) ماده تاریخ است واین مرثیه ظاهراً بحضورشاهرخ هم
۸۳۷
خوانده شده بود اسفزاری ومحمد خاوندشاه صاحب روضة الصفا هردو ظاهراً به تقلید مطلع ۸۳۷ را اختیار کرده اندو همین سنه را کلیمان

(۱) میرزا سلطان محمد بن بایسنغر از مدفونان گنبد گوهرشاد آغاست چنانچه عبدالرزاق سمرقندی در مطلع السعدین نوشته است: «دوشجاعت و سخاوت نادره ایام بود ودر ۸۵۵ بقتل آمد و مدت عمراو ۳۴ سال بود وزمان دولت او ۱۰ سال ۵ سال بطریق نیابت درزمان شاهرخ و ۵ سال با استقلال ونعش اورا بدارالسلطنه هرات بمدرسه مهد علیا گوهرشاد آغا در گنبد خوابگاه پدر او میرزا بایسنغر دفن کردند» رجوع شود بمقالهٔ گنبد سبز بقلم نگارنده درهمین رساله. گویا اعتمادی

هواردازروضة الصفا نقل نموده بذیل بایسنغردردائرة المعارف اسلامی درج کرده است.

۲ــ محمد جوکی بهادردرسنه وفات آن درمطلع ۸۴۸ است البته درسنگ مزارذکرماه هم است ودرمطلع نیست درمطلع این واقعه درپایان وقایع سال ۸۴۸ درج است.

۳ــ میرزا احمد بن عبد اللطیف: سال وفات وی درمطلع ۸۳۱ آمده مگر در کتیبه مزارروزوماه نیزدرج است درمطلع مبهم نوشته شده بدین قرار: «که میرزا سلطان ابوسعید بعد از منتصف شوال بطرف بلخ روانه شد وپیش ازروان شدن ازامراء نامدارگروهی را مقرر نمود که غبار فتنهٔ میرزا احمد راازبلخ فرونشانند امراء نامدار درنواحی بلخ به اورسیده با آن تیغ بیدریغ غبار عصیان اورا فرو نشاندند» مراد اینکه میرزا احمد مقتول گردید.

٤ــ گوهرشاد آغا: تاریخ وفات وی درمطلع ۹ رمضان ۸۶۱ است وعبارت مطلع اینست که «نهم ماه مبارك رمضان بقتل گوهرشاد آغا فرمان داد.» فهمیدن این مطلب مشکل است که در کتیبه چطور ۷۰۶ روز تفاوت پیدا شده.

۵ــ نظام الدین بن احمد: تاریخ وفات آن درمطلع ذکرنگردیده مگراز قرینه معلوم می شود که همراه پدر خودمرزا احمد مقتول شده است؟

۶ــ ابراهیم سلطان: تاریخ دفن وی در مطلع ششم شوال است نامبرده سوی دامغان ازمشهد میرفت درراه فوت نمودو امکان دارد

که تاریخ کتیبه آن تاریخ وفات درمشهد باشد و درمطلع همان تاریخ دفن وی درهرات درج است یعنی ۸۶۳

۷ــ سلطان علاء الدوله بن بایسنغر: متعلق آن درمطلع نوشته شده «که درسنه ۸۶۵ هجری فوت نمود وشب جمعه بیست ویکم صفر نعش اورا ازطرف رستمدار آورده ودرمدرسه مهدعلیا گوهرشادآغا در گنبدی که مدفن میرزا بایسنغر ومرقد مهدعلیا بود مدفون شد» اسفزاری و صاحب حبیب السیر ظاهراً از مطلع تقلید نموده سنه وفات میرزا را نیز ۸۶۵ گفته اند. مگر دولتشاه ۸۶۳ نوشته که با کتیبه سنگ مزار مطابقت دارد.

۸ــ جوکی میرزا: سنه وفات وی درمطلع ۸۶۸ است مگر روز و ماه درمطلع نیست. ازمدفونان گازرگاه ذکر هیچ یك باسنین ووقایع آن در مطلع نیامده. درنقشه یك مقام بنام گاوچاران نوشته شده آقای سرورخان گویا که بدفعات متعدد هرات رادیده اند به عقیدهٔ ایشان این مقام گوچران است که فعلاً درهرات به همین نام زبان زدعموم است «انتها»

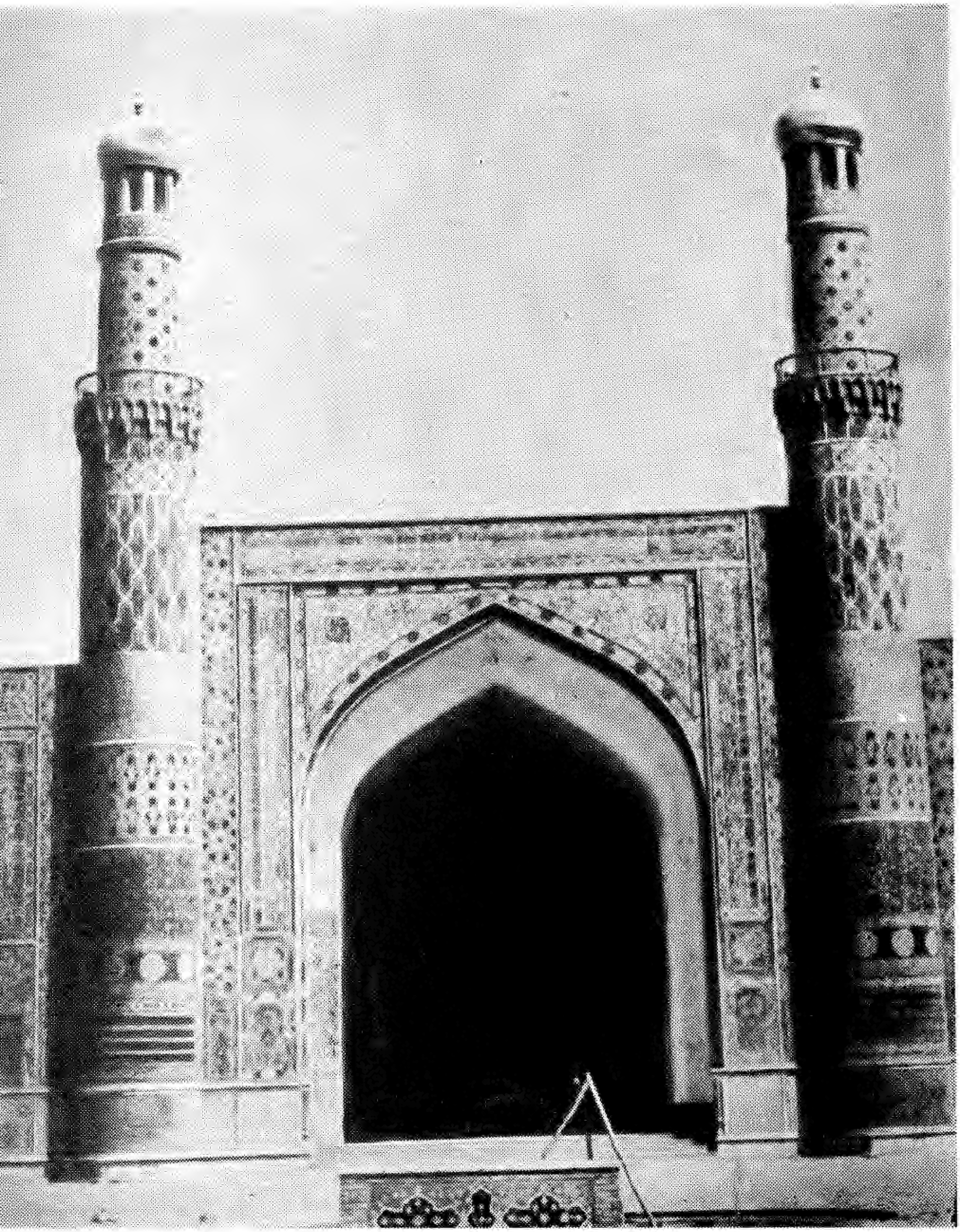

رواق جدید با دو منار جدید الناسیس ایوان مقصورهٔ مسجد جامع هرات

مسجد جامع هرات

این بنای معظم ومرصوص از معروف ترین مساجد ومحتشم ترین معابد اسلامی است مورخین دورهٔ تیموری هرات تاریخ بنای آن‌را بدورهٔ سلطان غیاث‌الدین ابوالفتح بن محمد سام غوری منسوب نموده بانی آن شخص سلطان را میدانند ولی نظر به روایات و اسنادی که دردست است مسجد جامع هرات قبل از سلطان غیاث الدین غوری معروف ومشهور بوده چنانچه مولف کتاب حدودالعالم که بسال ۳۷۲ هجری کتاب خودرا تالیف نموده درناحیت خراسان می نویسد:

هری شهربزرگ وشهرستان وی سخت استوار است و مزکت جامع این شهر آبادان ترمزکت هاست (۱) بعد ازمولف نامبرده منهاج سراج درطبقات ناصری چنین نوشته است « دو همای زرین هریك بمقدار شتر بزرگ سلطان غازی معزالدین ازفتح اجمیر بوجه خدمتی وتحفه بحضور سلطان غیاث‌الدین محمدسام فرستاده بود با بسیار تحف دیگرچون حلقهٔ زرین باز نجیر زرین وزجیرهٔ که دایرهٔ

(۱) حدودالعالم من المشرق الی المغرب طبع طهران ۱۳۱۴

آن پنج گز در پنج گز بود ودو کوس زرین که بر گردونه آورد ند وسلطان غیاث الدین آن حلقه وزنجیر وجریره را در پیش طاق مسجد جامع فیروزکوه بفرمود تا بیاویختند وچون مسجد جامع راسیل خراب کرد آن کوس وحلقه وزنجیر وجریره را بشهرهرات فرستادند تامسجد جامع هرات را بعد ازانچه بسوخته بود (۱) ازان وجوه عمارت کردند تقبل الله منهم (۲)

پس بنا برقول مولف طبقات ناصری این مسجد بزرگ بعد ازسوختن

---

(۱) تاجائیکه تحقیقات شد علت سوختن جامع هرات دران وقت معلوم نیست فقط جزء اساطیر محلی اشاراتی درین معنی میشود هم چنین مولانا جامی هروی وعلی قانع هندی درنفحات الانس وتحفه الکرام قضیهٔ مذکور را بدین ترتیب نقل میکنند :

درویش محمدچرخگر که یکی ازابدال بوده درجامع هرات بسر بردی روزی درمسجد خفته بود که کوزه آب وی ریخته بودند خادم مسجد آنجا رسید پنداشت که وی بول کرده است وی را چندان بزد که اعضای وی مجروح گشت چرخگر آهی بزدو بیرون رفت مسجد ازچوب بود آتشی پیدا شد ودروی گرفت وبسوخت وازآنجا به بازاری که آنرا بازار جمله فروشان گفتندی درآمد سلطان مجدالدین طالبه را ازآن خبر کردند درعقب چرخگر روان شدچون بوی رسید گفت ای چرخ گرشهر مسلمانان راچرا میسوزی چرخ گر باز گشت وآب چشم خود بر آتش افگند آتش فرو مردو ناپدیدشد واین رباعی بگفت :

آن آتش دوشین که برافروخته بود — او سوختن ازآه من آموخته بود

گرآب دوچشم من ندادی یاری — چه جمله فروشان که هری سوخته بود »

نفحات الانس ص. ۳۲۰-۳۲۱ طبع نول کشور وتحفه الکرام ج ۲ ص ۱۸۶ صحت این حکایت هرطوریکه باشد مطلب ما این است که درین مقاله هراطلاعی که ازهر جاو هر گوشه بدست آید بمطالعه خوانندگان برسانم .

(۲) طبقات ناصری نسخهٔ قلمی متعلق بفاضل دانشمند آقای حبیبی .

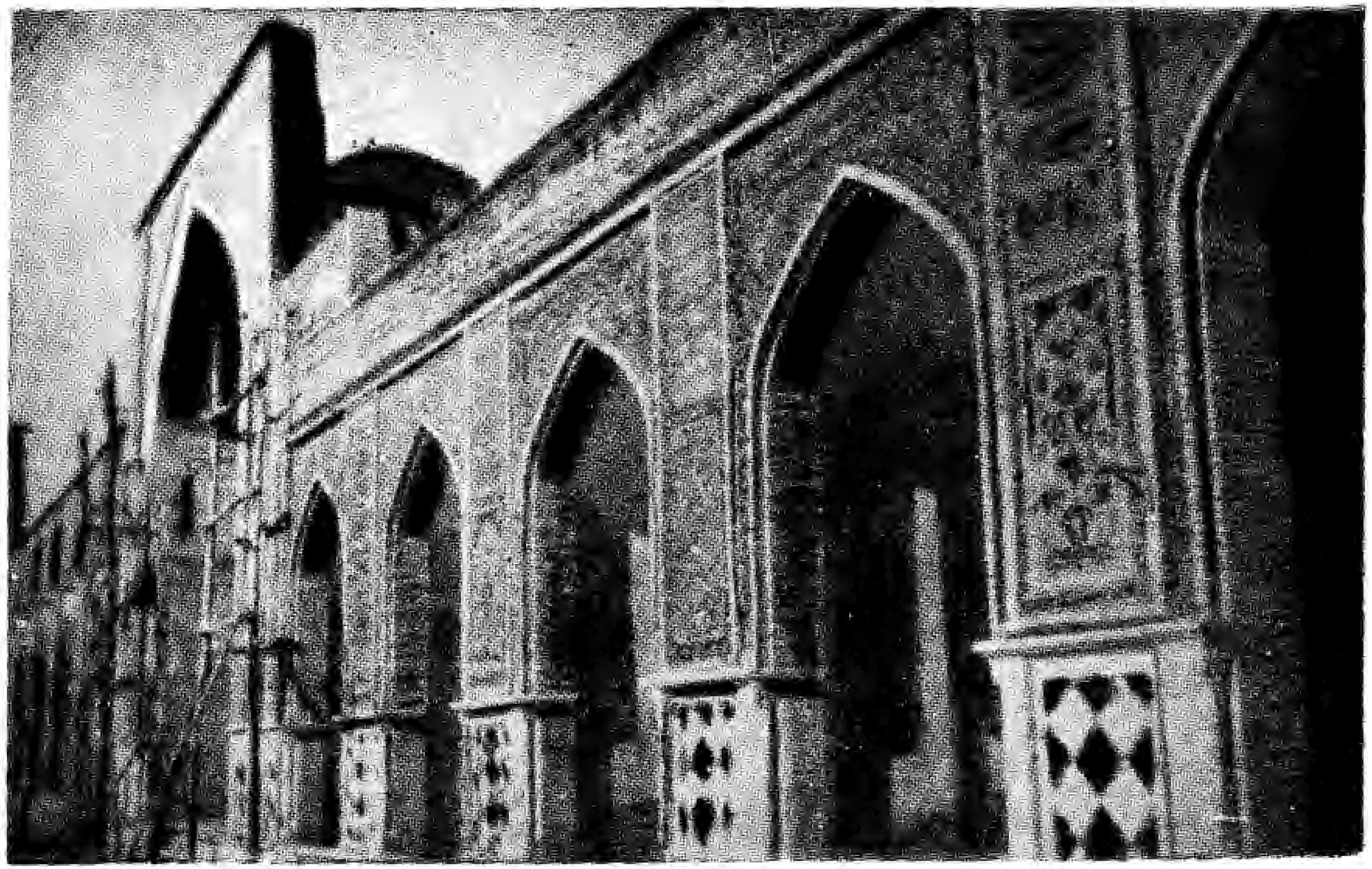

حصهٔ داخلی مسجدجامع هرات

بامر سلطان بدین پیکر و شکل موجوده سر از نو در سال ۵۹۷ هجری مطابق (۱۲۰۰ ع) تعمیر و آباد گردیده چنانچه در کتیبهٔ که در کمر بندیکی از رواقهای این مسجد است به خط کوفی اسم سلطان چنین نقر گردیده :
« السلطان المعظم شهنشاه الاعظم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم سلطان ارض الله حافظ بلاد الله معین خلیفة الله غیاث الدنیا والدین معز السلام والمسلمین نظام العالم ابوالفتح محمد بن سام قسیم امیرالمومنین انارالله برهانه » بنابر تمایل و دلبستگی که سلطان باین مسجد بزرگ داشته درزمان حیات خود گنبد بسیار باشکوهی متصل این مسجد برای قبر خود ساخته است. چنانچه بعد از مرگ که در ۲۷ جمادی الاول ۵۹۹ درهرات درگذشت درهمان جا دفن گردید (۱) واین گنبد درزمان ملوك کرت به گنبد ملکان اشتهار یافت (۲) وهم از نوشتهٔ موءلف روضة الصفا و حبیب السیر معلوم میشود که بنای این مسجد درزمان حیات سلطان غیاث الدین بکلی خاتمه نیافته واتمام کلی آن درقت سلطان غیاث الدین محمود (متوفی ۶۰۷) بن سلطان غیاث الدین محمد بوده چنانچه هردو مولف نامبرده مینویسند :
« عمارت مسجد جامع هرات را که ناتمام مانده بود او باتمام رسانید » (۳)
عدهٔ از مورخین می نویسند که سلطان غیاث الدین این مسجد را برای وعظ و درس امام فخر رازی ساخته وامامت مسجد درزمان سلطان

---

(۱) طبقات ناصری صفحهٔ ۲۰۲ نسخهٔ قلمی ، و روضة الصفا ج ۴ صفحه ۲۱۳ طبع لکنهو حبیب السیر جزو ۴ جلد ۲ صفحه ۷۵۵ طبع بمبئی (۲) روضة الصفا ج - ۴ صفحه ۲۲۹
(۳) روضته الصفا ج ۴ صفحهٔ ۲۱۴ و حبیب السیر جزو ۴ جلد ۲ صفحه ۱۵۶

غیاث‌الدین مخصوص اصحاب شافعی بوده(۱) وامام‌المتکلمین امام فخر رازی که کتابهای چندی هم بنام سلطان غیاث‌الدین نوشته مدت‌ها ها در مسجد جامع هرات حلقهٔ وعظ و درس داشته(۲) سید عبدالله الحسینی مشهور به اصیل‌الدین واعظ در رسالهٔ مقصدالاقبال خود که در سنهٔ ۸۶۴ هـ تالیف نموده دربارهٔ مسجد جامع هرات وامام فخر مینویسد:

«از آثار خیر او (مراد) ازسلطان غیاث‌الدین است» بنای مسجد جامع هرات است که ازغنیمت حلال ساخته‌شده اساس آن ازتقوای موسس وصفای آن ازخلوص عقیده بانی خبرمیدهد همواره معبد اولیا واتقیا بوده وهست ومشهور است که چهار جمعه یك نوبت حضرت خزرعلیه السلام آنجا بنماز حاضر میشود هرگز ازاهل غیب خالی نیست و بسی سالك جلد میباید که شب تنها در آنجا قیام نماید ودرطرف جنوبی مسجد بصف اول دو رکعت نماز گذاردن ومرادخواستن اثری تمام دارد و همین مولف درشرح‌حال ومزار امام فخر رازی مینویسد« درزمان سلطان غیاث‌الدین غوری درهرات ترقی نموده وسلطان موصوف مسجد جامع هرات را باسم شافعیه بجهت امام مذکور بنا نموده وهرروز جمعه آنجا به نصیحت مسلمانان مشغول می‌شد (۳)

درزمان ملوك کرت نیز این مسجد بزرگ دراوج شهرت واعتبار واحترام بوده وملوك کرت هریك بنوبهٔ خود الحاقات وترمیماتی در بنای این مسجد نموده اندچنانچه ملك غیاث‌الدین کرت (۷۰۷-۷۲۹)

---

(۱) روضة الصفا ج ٤ صفحه ۱۳ (۲) ایران امروز شماره ۵ و ٦ سال اول (۳) مقصد الاقبال نسخهٔ قلمی مورخهٔ ۱۱۹۸ هـ

بنا بقول مولف حبیب السیر درایام دولت خود مسجد جامع هرات راکه فی الحقیقة جامع فیوض و برکات است وروی بویرانی آورده بود تجدید عمارت فرمود و هم در ان بقعهٔ متبرکه پهلوی سلطان غیاث الدین محمد سام مدفون شد و ایضاً مدرسهٔ غیاثیه که درشمال مسجد مذکوراست بنا کردهٔ معمارهمت آن پادشاه وافر مکرمت(غیاث الدین کرت) است(۱) عبدالرزاق سمرقندی مولف مطلع السعدین درین خصوص معلومات بیشتری میدهد : «مدرسهٔ غیاثیه بطرف شمال مسجدجامع هرات که از مشاهیر مدارس است اوساخته واوقافی جهت عمارت این مدرسه ووظائف امام وخطیب وحفاظ وموذنان ومقریان مسجد جامع هرات اوکرده است » (۲) بعد از ملك غیاث الدین ملك معزالدین کرت ۷۳۲ ــ ۷۷۱ بنوبهٔ خودخانقاه جدیدی متصل مسجد جامع هرات بناء نمودوخودش درتاریخ ۳ذی قعده-۷۷۱هجری درجنب مقبرهٔ سلطان غیاث الدین محمدسام پهلوی پدرخویش ملك غیاث الدین کرت مدفون گردید (۳)دیگ فلزی بزرگ هفت جوش ومنقش که تاا روزدرایوان غربی مسجد جامع روی پایه‌ها گذاشته‌شده نیزازآثار ملوك کرت است این دیگ فلزی بزرگ را درزمان یکی از پادشاهان کرت قلندرنام فقاعی ساخته است . قطرآن یکنیم متروعمق آن ۲ متر است این دیگ‌رابرای پرکردن شربت درایام متبرکه وقف مسجد جامع کرده بودند درحاشیه بیرونی دیگ اسم محمد بن محمد بن محمد

---

(۱) حبیب السیرجزو ۲ جلد ۳ صفحه ۷۴ (۲) مطلع السعدین نسخهٔ قلمی (۳) حبیب السیرجزو ۲ جلد ۳ صفهٔ ۷۷ تاریخ ملوك کرت تالیف نگارنده صفحهٔ ۱۴۹

کرت کنده شد و این دو بیت در مدح پادشاه وقت و تاریخ اتمام آن دیده میشود .

هزار سال جلالی بقای ملکش باد

شهور او همه اردی بهشت و فروردین

بسال هفتصد و هفتاد و شش بعد از هجرت

که نقش بند حوادث نمود صورت این (۱)

از روی نام محمد بن محمد که در حاشیه بیرونی دیگ نقر شده کسی در سلسله شاهان کرت بدین نام نیست شاید شمس الدین محمد بن محمد ابی بکر کرت باشد ولی از قرار تاریخ زمان فرمان روائی ملک شمس الدین از ۶۴۳ تا ۶۷۴ است و تاریخ اتمام این دیگ ۷۷۶ است تطبیق این تاریخ تنها با ایام حکومت ملک غیاث الدین پیر علی بن ملک معز الدین که آخرین ملک سلسله ملوک کرت است شده میتواند زیرا ایام فرمان روائی او از ۷۷۱ تا ۸۷۴ است (۲) بعد از ملوک کرت درزمان شاهرخ میرزا (۸۰۷ - ۷۵۰) که شهر هرات از بهترین مراکز و درحقیقت گلستان پرنقش ونگار آسیا بوده درزمرهٔ سایر عمرانات وآبادی هرات مسجد جامع هرات هم مورد توجه خاص شاهرخ قرار گرفته است چنانچه کتیبهٔ که تاکنون بخط ثلث برواق غربی مسجد دیده میشود نام شاهرخ بهادر دران مرقوم وازین معلوم میشود که در ترمیم ونقش نگار رواق ها و تزئین دیوارها وشبستان های

---

(۱) آثار هرات ج ۱ ص ۱ ۵ طبع هرات و سالنامه کابل ۱۳۱۸ طبع کابل.

(۲) تاریخ ملوك کرت نسخه قلمی تالیف نگارنده صفحه ۱۵۱

آن حصه زیادی داشته است واقدام احمدلر نسبت به قتل شاهرخ و کارد خوردن آن درروزجمعه ۲۳ ربیع الاخر ۸۱۰ درهمین مسجد بوده چناچه یکی ازفضلای هرات در تاریخ آن واقعه گفته است:

سال تاریخ هشتصد وسی بود روزجمعه پس از ادای صلوات
قصهٔ بس عجیب واقع شد درخراسان ولی بشهرهرات
کجروی در بساط چون فرزین خواست تا شه رخی زند شدمات(۱)

درزمان سلطان حسین بایقرا (۸۴۲-۹۱۱) ووزیر نامدار او میر علی شیر نوائی «۸۴۴ - ۹۰۶» که هرات ازبزرگترین ومعظم ترین شهرهای آسیا بوده این مسجد بزرگ مورد توجه بسیار واحترام خاص پادشاه ووزیروسا یراعیان ومعاریف آن وقت بوده است.

بهترین شرحی که درین دوره نسبت باین مسجد نوشته شده ومارا ازهرشرح و بیانی درین خصوص بی نیاز میکند خلاصة الاخبار است که خوندمیر در ۹۰۴ تالیف نموده ودرفصل اخیر آن ازین مسجد بزرگ چنین ذکر کرده:

ازجملهٔ ابنیهٔ عظیم الشان رفیع البنیان که درین بلده جنت نشان واقع است یکی مسجدجامع است که فی الحقیقة جامع فیوضات الهی ورافع کدورات نامتناهیست تاسپهردوار آغازدوران کرده هیچکس مقامی بدین رصانت ومکانی بدین پاکی ونزاهت نشان نداده وتاخسرو ثوابت وسیارد رسیرو سلوك آمده هرگزچشمش براساسی برین قیاس متین ومستحکم نیفتاده طاق سپهر

(۱) حبیب السیرجزو ۳ جلد ۳ ص ۱۲۷

آسای مقصوره اش در معموره آفاق جفت ندارد وصفای صفهٔ معموره اش هر لحظه روحی تازه با بدان معتکفان در آرد از زمزمهٔ قرائت حفاظ خوش الحانش مقیمان عالم بالا پر فیض وسرور واز غلغلهٔ آذان موذنان نغمه پردازش مسبحان ملاء اعلی پر ذوق وحضور .

مسجد او جامع فیض اله　　زمزمهٔ خطبهٔ او تا بماه
برسر نه تخته گرفته شهی　　منبرش از خطبهٔ بیت اللهی
غلغل تسبیح بگنبد درون　　رفته زنه گنبد والا برون
طاق بلندش بفلک گشته جفت　　حامل او گشته فلک در نهفت
قبهٔ او برشده بالای چرخ　　فرش تهش اطلس والای چرخ
هر که سعادت بودش رهنمای　　بر در آن سر نهد آنگاه پای

واین بقعهٔ شریفه را سلطان ابوالفتح غیاث الدین محمد بن سام در اواخر ایام دولت خویش بنا نهاد وپیش از آنکه خاطر خطیرش از اتمام این مقام فارغ شود بجوار رحمت حضرت عزت انتقال نمود برادرش سلطان شهاب الدین بواسطهٔ مخالفت خوارزم شاه بتعمیر مسجد نپرداخت اما پسرش سلطان غیاث الدین محمود بعد از آنکه پادشاه شد عمارت آن موضع متبرك را اتمام ساخت وچون مدتی بر آن حال بگذشت وبسبب فتنه وطغیان چنگیزخان وخرابی ولایات خراسان آن منزل رفیع الشان روی بویرانی نهاد وتجدید تعمیرش بسعی واجتهاد پادشاه نیکو نهاد ملك غیاث الدین کرت اتفاق افتاد و پس از فوت او ملك معز الدین درزیب و تزئینش شرط جد وجهد بجای آورد و در زمان حضرت خاقان سعید مغفور (مراد ازشا هرخ است)

PROPERTY OF ACKU 3004

امیرجلال الدین فیروزشاه(۱) نیزفی الجمله مرمتی کرد.

هرکه آمد عمارت نوساخت رفت ومنزل بدیگری پرداخت
وان دگر پخت هم چنین هوسی این عمارت بسر نبرد کسی

درایام دولت ودوران سلطنت سلطان صاحبقران وخاقان گیتی ستان معزالسلطنه والخلافه ابوالغازی سلطان حسین بهادرخان خلدالله تعالی ظلال اقباله طاق مقصوره اش شکستی تمام یافت و اطراف قبهٔ معموره اش بسرحد خرابی شتافت جدار بلند مقدارش مانند راکعان پشت خم کرده وپیل پایه های عالی آثارش مثال ساجدان روی نیاز بر زمین آورده سفیدی گچ ازسقف مرفوعش مرتفع شده وخاك سیاه نمناك برزبرفرش میمونش مجتمع گشته چون این معانی برضمیر انورعالی جناب مقرب الحضرت السلطانی (مراد ازامیرعلی شیراست) پرتوانداخت همت عالی نهمت بر تجدید بناء این مسجد شریف و تشئید اساس این معبد منیف مقصور ساخت وازپادشاه اسلام اجازت طلبیده وازارواح مقدسهٔ مشایخ عظام استمداد کرده دررمضان سنه ثلاث وتسعماته (۹۰۳) نخست بباز کردن پشت گنبدوطاق مقصوره اش که مکسور گشته بودامرنمود بعدازآن باستصواب معماران حاذق ومهندسان مدقق براست ساختن آن بنا بروجهی که ازآن محکم تر نباشد اشاره فرمود ودر دوجانب صفهٔ مقصوره دوایوان عالیشان

(۱) درزمان شاهرخ حاکم و فرمان فرمای شهرهرات بوده .

بنیاد نهاد و بدان جهت طاق بزرگ را استحکام تمام ومتانت مالا کلام داد وآن بانی مبانی خیرات بواسطهٔ کثرت اهتمام دراتمام این عمارت بنفس نفیس به آن مقام شریف تشریف می آوردودر بسیاری روزها دامن درمیان زده مانند سایر مزدوران خشت بدست استاد میداد و کار میکرد ودرهرچندروز معماران واستادان وسایر هنرمندان راکه درانجا می بودندجامه های گرانمایه پوشانیده وبنوازش موفور می نواخت وبانعامات- غیر محصورخوشدل و مسرور میگردانید لاجرم بتوفیق الهی وتائید نامنتهای پادشاهی کارسه چهارساله در مدت شش ماه باتمام رسانیدورفعت ایوان مقصوره اش بمقتضای همت امیر بحرمکرمت ازآنچه پیشتر بود مقدارشش هفت زرع درگذشت وچون اصل کار باتمام رسیدوقواعدآن مانند بنای هرمان مستحکم گردیدفضلا وشعراء درتاریخ تجدید این بنا ابیات فصاحت آیات درسلك نظم کشیدند وکتابه نویسان بعضی ازآن هارادرکتابهٔ آن بقعهٔ عالیه مسطور گردانیدند عالیحضرت خداوندی مقرب الحضرت السلطانی لفظ مرمت کرد راجهت ضبط تاریخ آن بنا یافته بودندو بحسب توارد جناب مولوی مخدومی فضیلت شعاری مولانا معین الملت والدین اسفزاری رانیز همین لفظ بخاطرآمده بودو بدین گونه نظم نمودند:

نظام دولت ودین میر پادشاه نشان
که دولت دوجهانیش حق کرامت کرد
مرمتی که زاصل بنافزون تربود
درین مقام شریف ازعلو همت کرد

تواتفاق حسن بین واقتضأ زمان

کەچون موافق تاریخ شد مرمت کرد
۹۰٤

وراقم حروف رااین قطعه بخاطرفاتررسیده بود:

گشت محکم اساس این مسجد

زاهتمام امیربنده نواز

بهر تاریخ گفت مرشد عقل

شدمشیداساس مسجد باز

دیگری در تاریخ این بناگفته:

مقصورۂ طاق مسجد شهر

گردیده خراب بود ازدیر

شدامرز غیب وگشت تاریخ

وفق لبنائه علی شیر

ایضاً

این صفحه که مانده بودچون عظم رمیم

مانندە کعبه یافت احیای عظیم

تاریخ عمارتش زدل جستم گفت

ثانی بنای طیب ابراهیم

القصه پس ازآنکه ضمیرانورامیروالاگهرازجانب متانت واستحکام آن معبدعالی مقام فارغ گشت خیال زیب وآرایش واندیشۂ تکلف ونمایش بخاطرخطیرش گذشت لاجرم بموجب اشاره علیه مهندسان خجسته آثاروکاشی تراشان شیرین کاروهنرمندان نقاش واستادان

سنگ تراش بجدهرچه تمامتر روی بتذهیب وتزئین آن مسجدفیض آئین آوردند ودر مدت یکسال کاری راکه بحسب تخمین وقیاس می بایست که درقرب پنج سال اختتام یابددرغایت پاکی وآراستگی تمام کردند چون طاق ها ورواق هایش بنقوش اسلامی وختائی مزین ومتحلی شدوصفحات صفهای پرصفایش بوفور تکلفات غریب وکثرت اختراعات عجیب ازسایر بقاع ممتاز ومستثنی گشت سقف گنبدهای بلندش مانندصحیفه اعمال نیکوکاران صفت سفیدی وروشنی پذیرفت وازراه های ایوان های ارجمندش ازسنگ های سوزدان برصانت تمام ومتانت مالاکلام گرفت:

پرازنقش ونگارازفرش تاسقف   مهندس را بروفکرونظروقف
زعالی غرفه هایش چشم بددور   مقوس طاقها چون ابروی حور

وچون منبر قدیم که ازچوب جوز تراشیده بودندرهم شکسته بود همت عالی نهمت امیرصافی طویت مقتضی آن شد که منبری ازسنگ مرمر ترتیب نمایدوملازمان آستان رفیع الشان درجستجوی وتگ وپوی افتاده در ولایت خواف سنگ مرمریافتندوآن رابه بهای تمام ازصاحبش خریده باندك زمانی باین بقعه مبارکه آوردند واستادشمس الدین سنگ تراش بساختن آن اشتغال نموده بیمن اهتمام امیرعالی گهرمنبری ساخته وپرداخته شدکه تاآفتاب عالم آرا هرصباح خطیب آسا بر منبرنه پایه سپهر خضرا برمی آیدشبیه ونظیر آن ندیده وتاسنت سنیه نماز جمعه وجماعت درمیان امت حضرت رسالت(ص) پدید آمدهٔ گوش هیچ آفریده مثال ومانندآن نشنیده زبده فضلای

زمن امیر اختیار الدین حسن زیدت فضایله جهت تاریخ اتمام این منبرعالیمقام این ابیات را درسلک انشا نظام وانتظام داده :

ازهمت بزرگی شدمنبری مکمل　　کزغایت ترفع برعرش سرکشیده
هرگز کسی ندیده منبرز سنگ مرمر　　تاریخ شدهمان کوهرگز کسی ندیده

واین مسجد شریف مشتمل است برچهارصد وشصت گنبدوصدوسی رواق وچهارصدوچهل وچهارپیل پایه وطولش سوای عرض دیوار دوصدو پنجاه وچارزرع است وعرضش صدو پنجازرع وطول صفه مقصوره شصت وپنج زرع وعرضش بیست وپنج زرع ودهن طاقش بیست وشش زرع وطول صفه شمالی بیست وسه زرع وعرضش پانزده زرع وطول صفه جنوبی بیست ودوزرع وعرضش سیزده زرع ونیم وطول گنبد مقبرۀ ملوك بیست وچهارزرع است وعرضش بیست وسه زرع وطول صحن مسجدصدوچهارده زرع است وعرضش هشتادوچهار زرع واین بقعه شش دروازه دارد که غیرت هشت در بهشت استودرهفت اقلیم شبیهونظیر نداردو بالجمله درروزچهارشنبه چهاردهم شهرشعبان سنۀ خمسهو تسعمائه (۹۰۵) که تکلف وتزئین این مسجدجنت آئین باتمام رسیدآن صاحب توفیقوصائب تدبیر آش عظیم ترتیب داده خطیب وامام وواعظ وحافظ ومتولی وخادم واستادان وعمله وفعله رابتمام دران مقام طلب نموده شرط ضیافت به تقدیم رسانیدآنگاه قامت قابلیت آن جماعت راکه قرب صدکس بودند به پوستین های گرانبها وفرجیهای صوف اعلی وقباهای قیمتی ودیگر ثیاب فاخره مزین وآراسته گردانیدامیدبکمال وکرم حق عزوعلا

آن است که برهرگامیکه ملازمان این امیرکبیرنیکونام درسرانجام مهام این عالی مقام نهاده اندردار دنیا بکامی فایزشوندوبهرخشتیکه درین مسجدمیمون سرشت بکاربرده اندرعالم عقبی باحراز بهشتی سرافرازگردنداین دعا ازمن وازخلق جهان آمین باد» ۰(۱)

دررسالهٔ مزارات هرات طبع مطبع دانش نیزازبناوترمیم والحاقات میرعلی شیرنوائی وخصوصیات مسجدجامع وسایردوره‌هائی که طی کرده چنین نوشته شده «درشمال مسجدمتصل مدرسهٔ غیاثیه خانقاهی است که اکثرمشایخ دران موضع متبرك بخلوات واربعینات بسربرده اند(۲) وبسیاری ازاهل دل درین موضع متبرك بمقاصدکلیه فایزآمده اندودرمیان گنبدی که درصفه شمالی است سلطان غیاث‌الدین غوري مدفون گشته وبعضی ازملوك کرت نیزدران گنبدمدفونندودرطرف غربي گنبدمذکورمدرسهٔ معمورگشته آنهم ازآثار وبنای ملوك کرت است این مسجدشریف ازعجائب مسجدهاست چنانچه وسعت آن شانزده جریب است چهارصدوشصت گنبددارد و٤٤ فیل پایه وشش دروازه امادرتاریخ ۹۰٤ هجری دروقت سلطان حسین میرزاوزیراوامیر علی شیرتجدیدوترمیم مسجدرا بطرزجدیدنموده چنانچه کاشیکاری

---

(۱) نقل از نسخه قلمی که دوصدسال قبل درهرات نوشته شده. (۲) درین چله خانه حضرت خواجه عبیدالله احرارومولانا جامی چندین چله گذشتانده اند. این رباعی را مولانا جامی دروقت اعتکاف خود بردیوارخانقاه بخط مبارك خود نوشته بودند.

بقعهٔ خیرماست گوشهٔ دیر ... لیس في الکائنات ثانیها
عیش جامی درو مدام خوش است ... طیب الله عیش بانیها

ومیذنه‌واطراف مسجدشریف رابسنگ مرمرآبادنموده وتاریخ آباد شدن مسجدمذکوراین دورباعی است :

مقصوره‌وطاق مسجدشهر گردیده خراب بودازدیر
شدامرزغیب‌وگشت تاریخ وقف لبنائه علی شیر
۹۰٤

زتعمیراین بقعه‌جان یافت‌فیض که مانند خلداست ماوای فیض
چوازفیض اتمام شدبهره مند خردیافت‌تاریخ آنجای فیض(۱)
۹۰٤

درسال ۱۰٤٥ هجری درعهدشاه اسماعیل‌صفوی دوباره‌خراب گردیده بود، درسال ۱۲۵۳ هجری وزیریارمحمدخان درانی آباد نموده‌ودرابتدای‌سلطنت‌ضیاء الملة والدین امیرعبدالرحمن‌خان‌مرحوم ایوان قبله که‌خراب شده‌بودآبادگردیدودرسال۱۳۲۵ه‌که سراج‌الملة والدین امیرحبیب‌الله خان مرحوم بطریق دوره تشریف فرمای دارالنصرت هرات شدندچون مسجدمتبرك راازآثارقدیمه دیدندوبه مرورایام روی به‌انهدام نهاده بودامرو‌ارشادفرمودندکه مبلغ دولك روپیه ازعین‌المال خودشهریاری صرف‌آبادی مسجدشریف بشود وصداقت نشان شاغاسی دوست‌محمدخان راکه ازنظمای ملك بود مقرراین‌خدمت‌نمودندهمان بودکه‌بمدت پنج‌سال‌بطرزقدیم آبادشد. (۲)

---

(۱) اکنون نیزاین دورباعی فوق باورباعی که ذیلاً مرقوم است ازدستبرد زمان محفوظ مانده وبخوبی خوانده میشود.

این صفه که مانده بودچون عظم‌رمیم مانندهٔ کعبه‌یافت احیای عظیم
(بقیه درصفحه ۳۱)

تزئینات این مسجد:

از ریزه کاریهای صنعتی وگچ بریهای ضریف، وکاشی کاریهای نفیس ونقاشی های دقیق که یادگار دورهٔ سلاطین غورو ملوك کرت باشد چیزی قابل ذکر نمانده است تنها نمونهٔ گچ بری باانواع آرایش های مختلفه یعنی تنظیم متن کتیبه بخطوط کوفی گل دارو کنده کاری درون خطوط باسایه وروشنی مخصوص دریك قسمت گنبد مخروبهٔ سلطان غیاث الدین دیده میشود این صنعت جمیل وظریف حاکی ازمهارت دقیق وچیره دستی کارگران واستادان این بنای عالیست و انسان تعجب می نماید که آیاچطور توانسته اند بایك مشت گل وگچ چنین هنری ازخود نشان دهد که هنوز پس ازچندین قرن مایه بهت وشگفت بیننده باشد ازدورهٔ شاهرخ وسلطان حسین میرزا که تزئینات وکاشی کاریهای مغرق وخطوط نقاشی وتذهیب های استادانه آن دراوج مهارت وظرافت بوده ونظیرومانند آن امروزهم درمسجد شیخ لطف الله ومسجد شاه وعالی قاپو دراصفهان ومسجد گوهرشاد درمشهد ومسجد بی بی خانم درسمرقند دیده میشود بغیرازدوسه پارچهٔ کاشی کاری ودوسه کتیبه رواق چیزی دیگری نمانده است وهمین مقدار باقی مانده که باصطلاح مشت نمونهٔ خرواراست مهارت ونیروی استادان

«بقیه صفحه ۳۰»

تاریخ عمارتش زدل جستم گفت ثانی بنای طیب ابراهیم

۹۰۴

(۲) رسالهٔ مزارات هرات طبع مطبع دانش

ونقاشان آن عصررا بخوبي نشان میدهد.

مسجدجامع هرات ازنظرسیاحان ودانشمندانجهان :

سیاحان ودانشمندانجهان نظر بهعظمتوشهرتوزیبائی که این بنای معظم داشته درآثارخودهریک از نقطۀ نگاه خویش شرحی ازعظمت وزیبائی وتاریخ این بنا نوشته اندتاجائیکه بنظرنگارنده رسیدنوشته های آنان رادرین جامحض برای آگاهی هموطنان عزیزخویش می آوریم: ندرمایروارنستدتیس المانی درکتابی که بنام افغانستان نوشته اندرخصوص مسجدجامع هرات مینویسند :

مسجدجامع هرات طوری وصف میشود کهاین مسجدمانندمساجدعظیم وبزرگ دیگروهمچنان مانندبسا معابدمحتشم غرب قسمت ساختمان آندوره های مختلف تاریخی رادرخودحل ومزج نموده است وبرای نشاندادن معیارصحیح وقیمت صنعتی آن کشفیات وتدقیقات مفصل درخودهمان نقطه میتوان نمودهمین ندرمایر مقالۀ به عنوان افغانستان درمجلۀ المانی موسوم بهشرق جدیدشمارۀ ٤و٥ مورخۀ ٢٥ می ١٩١٧م نوشته که ترجمهآن درشماره ٢١ سال ٢ کاوه مندرج است درین مقاله دربارۀ مسجدجامع هرات چنین نوشته است :

بهترین ابنیۀ هرات مسجدجامع آن است وبعضی ازقطعات آن شبیه است به مسجد ابن طولون وسامره .درایوان بزرگ این مسجد بعضی خطوط کوفی دیده میشود کههنوزخوب باقی مانده است این مسجدرا چندین دفعه تجدیدعمارات نموده واصلاح کردهاندو بسبب مواظبت

امیرهنوز بحال خوبی باقی است دیوارهای روبطرف حیاط مسجد معلوم میشود که بعدها به آجر قشنگ مزین کرده اندواندکی بعدروی آن آجرهارا بطرز ابنیه خراسان کاشی کاری نموده اند درطرف شمال مسجدولی متصل بدان یک بنای مقدس دیگرولی کوچکتر ساخته شده است که درمزین آن بطرف مشرق است ساختمان این بنا ازحیث شکل وتزئین شبیه است بمسجدقدیم سرخس شرق درخراسان . »

هم چنین رابرت بایرن دانشمندمعروف درکتاب سومین کنگرهٔ بین المللی آرت وباستان شناسی درلیننگراد ۱۹۳۵مقاله به عنوان «آبدات عصر تیموری افغانستان» نوشته واز مسجدجامع هرات چنین ذکرمی نماید« دروسط شهرمسجدی است معروف به مسجدجامع که حیاط آن صدیاردطول و۶۵ یاردعرض دارد به چاردورحیاط مسجد قطارکمان های رواق هادیده میشودقرارتذکارمعین الدین اسفزاری مسجدجامع هرات راسلطان غیاث الدین محمدابن سام غوری درسال ۵۹۷هجری مطابق (۱۲۰۰م) بنانهاده وهنوزهم کتیبهٔ کوفی درین مسجد است که سبک نگارش آن به عصر بانی مسجدموافقت میکندخود سلطان غیاث الدین هم در مقبره که به مسجدجامع متصل و پیوست است دفن میباشد ومقبرهٔ اورابعدها ملوك كرت درقرن ۱۴ مجدداً تزئین کرده اند کتیبه بخط نسخ ازین عصریادگار مانده ودارای عناوینی است که معمولا ایلخانان مغل مانندالجایتو وابو سعیدوامرای دودمان کرت استعمال میکردند سلالهٔ کرت حتی درایوان عمدهٔ مسجدجامع هم تزئیناتی ازخودبیاد گارگذاشته اندازجملهٔ اشخاص فاضل ودانشمندی که عامل شهرت

دربار سلطان حسین بایقرا شده بودند هیچ یکی مانند میر علی شیر نوائی معروف و برجسته نبود این وزیر دانشمند که ۳۷۰ مسجد، مدرسه، کاروان سرای، شفاخانه، قرائت خانه پل وغیره برای منافع ورفاه عامه آباد کرد در ۹۰٤ هجری مطابق ۱٤۹۸ م تصمیم گرفت که مسجد جامع هرات را ترمیم کند مشارالیه اول ازهمه گنبدی را که عقب ایوان بزرگ مسجد جامع بوده و گنبد آن خطر تولید کرده بود ویران نموده و بهر دو طرف آن دو پایهٔ متینی برپا کرد و بهر کدام دو کمان دیگر دو طبقه‌ای افزود سپس با تعمیر منزل دیگر و عمران دیوارهای نازکتر روی دیوارهای قدیمی ارتفاع دیوارهای حیاط مسجد را زیاد نمود و بالاخره روی دیوارها و طاق‌ها و ایوان‌ها را کاشی کاری نمود (۱)

همچنین مقالهٔ بقلم یکی از فضلای معروف هند به عنوان نظام الملک ثانی یا امیر علی شیر فانی در شماره ۳٦ مجله اورینتل کالج میگزین که از مهم ترین مجلات هند است نشر شده و نسبت به مسجد جامع هرات چنین نوشته: «در بین سایر تعمیرات هرات مسجد جامع آن دارای امتیاز مخصوص است امیر علی شیر این مسجد را در عهد خود سراز نو تعمیر نمود خوشبختانه کوایف تعمیر این مسجد در مکارم الاخلاق قدری به تفصیل ذکر شده و از آن اشتغال و دلچسپی میر را بامور تعمیر مساجد خوبتر میدانیم. مسجد جامع هرات را سلطان ابوالفتح غیاث الدین محمد ابن سام در اواخر سلطنت خود طرح تعمیر ریخت متأسفانه عمرش به انجام

«۱» مجله آریانا سال ۱ شماره ۱۲۵ ترجمه بناغلی کهزاد

این امر خیر وفا نکرده مسجد همانطور نا تمام ماند بعد از سلطان غیاث الدین برادرش سلطان شهاب الدین تعمیر آن را طرف توجه قرارداد اما در عهد سلطان غیاث الدین محمود ابن شهاب الدین (۱) امر تعمیر به اختتام رسید حملات چنگیزی در ذیل تخریب سایر آثار خیریه باین مسجد هم صدمه کلی رساند ملک غیاث الدین کرت از منظر ویرانی آن متأثر شده بترمیم آن اقدام نمود بعد از ملک غیاث الدین کرت سلطان معز الدین کرت و امیر جلال الدین فیروز شاه هر یک بنوبهٔ خود بترمیم آن مساعی جمیله بکار برده اند امیر علی شیر در ۹۰۳ هجری بتعمیر جدید آن آغاز نمود مهندسین مشهور و معماران معروف را بکار آن مقرر کرد و آنقدر در انجام کار آن شوق و شعف داشت که خود با عمله و کاریگران آن کار میکرد و در اجرت و حق الزحمهٔ کاریگران آن قدر فیاضی و جوادی بکار برد که همهٔ آنها از دل و جان ممنون و مسرور شده به همت تمام و سعی وافر سر گرم کار میبودند چنانچه در اثر همین سعی و کوشش کار چهار ساله در مدت شش ماه بانجام رسید.

بعد از فراغ تعمیر نقاش ها و کاشی تراش ها را بنقش و نگار مسجد گماشت طاق ها و رواق ها را بنقوش اسلامی و خطائی مزین و دیوار های مسجد را با شاخه های گل و برگ های رنگارنگ منقش ساختند برای ساختن منبر از اطراف دوردست سنگ مرمر خواست و استاد شمس الدین سنگ تراش را بساختن آن مکلف نمود و قلیکه منبر تمام شد شعرا مادهٔ تاریخ آنرا سرودند کار مسجد در سنه ۹۰۵ بکلی

---

(۱) مولف روضة الصفا و حبیب السیر ابن غیاث الدین ابن محمد بن سام مینویسند.

تکمیل یافت میر کاریگران را بانعام وبخشش های شایانی نوازش نمودو بتقریب اتمام آن محافل سرورودعوت های متعددمنعقد نموده مردم ازخواص وعوام درین دعوت هاشرکت داشتندمیر در تعمیر این مسجد آن قدرشوق وشغف قلبی داشت که درطرح ونقشه وامور عمران آن باماهرین فن ومتخصصین بزرگ آن وقت بمشوره ومذاکره شامل شده وازتدبیروافکارآنان استفاده نموده وباین وسیله تزئین وزیبائی مسجد رابسرحدامکان رسانید. تحریر کتیبه وتزئینات مسجد رابه نقاش مشهوروخطاط معروف آن عهدیعنی خواجه میرك مفوض نموداماچنانکه عادت هرصاحب کمالی است خواجه میرك در کار بطالت نشان میدادمیر هرچند کوشش نمودمیرك ازسستی وتأنی که در کارداشت بازنیامده ازیکطرف کارمسجددر معرض تاخیرافتادواز طرفی میرك درقریهٔ (شادروان) نزدیك هرات گلگشت مینمودمیر اگراز تشدد کار میگرفت بخوبی میتوانست ولی دراصلاح میرك تدبیر متین وموزونی سنجید. خواجه جلال الدین محمد کاردار مالیه‌را فرمود که تابنام خواجه میرك رقعهٔ بدین مضمون نویسد:

خواجه میرك راواضح خاطر باد!

مبلغ پنج هزاردینار طلب حکومت که برذمهٔ شما باقیست بزودی داخل خزانهٔ سرکاری نمائیدزیراکه درین وقت حکومت سخت بپول ضرورت دارد. دونفر محصل این رقعه‌راگرفته نزدخواجه میرك درشادروان رفتندوازوی زرمذکورراطلب کردندخواجه میرك ازین تقاضای غیر متوقع سخت مضطرب گردیده سرراست بخدمت میرعلی شیررسیدوعرض

نمود که برایخدا بمن امدادی بفرمائیدتا ازعتاب شاهی وارهم میرتبسم کرده گفت بامداد شما آماده ام بشرطیکه کتیبه و نقاشی مسجد را درمدت ۱۵روز انجام دهید. پس بدین وسیله میرک کارهای مسجدجامع هرات رابزودی انجام نمود. (۱)

فرامین واحکام شاهانی که روی سنگ های مرمر منقور وتاهنوز باقی است:

برر واق بعضی ایوان‌های مسجد فرامین واحکامی از شاهانی سابق مانند ابوسعید کورگان وسلطان حسین بایقرا وغیره نسبت برفع تکالیف دیوانی وموقوفات مسجد جامع دیده میشود که روی سنگ های مرمر منقورو تاهنوز بکمال وضاحت خوانده میشود درینجا بطور نمونه دوسه فرمان واحکام راکه نمایندهٔ سبک وروش همان وقت است نقل می نمائیم.

فرمان وسلطان ابوسعید کورگان که از ۸۳۶ - ۸۷۳ سلطنت نموده:

الله ولی التوفیق. چون بمیامن همم عالیه اهل الله و توجه نفوس زاکیه اصحاب کشف وانتباه توفیق اشاعهٔ خیرات واذاعهٔ مبرات رفیق دولت روز افزون وقرین روزگارهمایون حضرت خاقان صاحب قران رافع الویة العدل والاحسان قامع البنیة الظلم والعد وان المویدبتائید الملک الدیان غیاث الخلافت والسلطنة والدین غوث الاسلام والمسلمین سلطان ابوسعید کورگانی خلد الله تعالی سبحانه فی بسیط الارض ملکه

---

[۱]شماره ۱۲ مجلهٔ کابل سال سوم ص ۸۱- ۸۲ ترجمه نگارنده.

وسلطانه گشته همگی همت عالی نهمت بر ترفیهٔ عباد و تعمیر بلاد و دفع مواد فساد و رفع رسوم مذموم ارباب ظلم و عناد مصروف و معطوف فرموده تصدیقاً لهذا الحال چون به مسامع جلال رسید که بواسطهٔ مطالبت نام بردار در بلاد و دیار انواع فزع و اضطرار در هر وقت و زمان بعامه سکان راه می یابد در منتصف جمادی الاخر سنهٔ ست وستین وثمانمائه امر مطاع لازاله مشبعاً فی اقطاع صدور یافت که من بعد الیوم بعلت نام بردار قشونی از دارالسلطنهٔ هرات و بلوکات مطالبت ننمایند و بدین جهت اصلاً به اهالی و بساکنان و جماعات و محترفات و شرکاء و مزارعان تعرض نرسانند تا بفراغ بال و فارغ حال در ظل معدلت و عاطفت و کنف مرحمت و رأفت روزگار گذرانند امید است که تا انقراض دوران فرزندان کامگار دولت یار و سایر سلاطین نام دار توفیق تنفیذ آن یافته و حکامیکه تغییر این خیر عام نماید در معرض وبال و مستحق عتاب حضرت ذو الجلال باشد فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه وعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین و فرمان واجب الاذعان صادر شد.

فرمان سلطان حسین میرزا که از ۸۷۵ الی ۸۹۹ سلطنت نمود در ایوان قبله مسجد جامع بروی سنگی کنده شده :

الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات و بتوفیقه یفتح ابواب الخیرات. چون همت سلطان زمان متمثل ان الله یأمر بالعدل والاحسان معز الدنیا والدین ابو الغازی سلطان حسین بهادرخان خلد ملکه بر ترویج بقاع مبرات موقوف است و صورت تکثیر مداخل سعادت بر لوح جامع ضمیر انور

او کالنقش فی الحجر ثابت است در اول ربیع الاول هشت صد و هفتاد هشت

فرمان عالی فرمود که موقوفات مسجد جامع دار السلطنهٔ هرات وجنبذ

عالی سلاطین ماضی و خانقاه جدید و جسر نهر مالان از کل تکالیف دیوانی

مسلم و مرفوع القلم دانسته از رقبات و مستغلات آن مال و اخراجات

لشکر و شناوری و سونجی وده و یازده و ضابطانه و حق السعی و داروغه گانه

وغیر آن نطلبند و حاصل آنرا با مارت وزینت و ارباب وظائف

و مستحقات مقصر دانند هر آینه فرزندان کامگار و سلاطین اسلام شعار

توفیق تنفیذ این خبر یافته همم علیه ایشان رخصت تغییر آن ندهند قوله

تعالی (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه)(۱) .

این بود شرحی ازین مسجد عظیم الشان که بقول لوسترانج مستشرق معروف نظیر و مانند آن در زیبائی و عظمت کمتر دیده میشود از منابع داخلی و خارجی بدست آورده درین جا نوشتیم متأسفانه که درین اواخر این مسجد بزرگ با همه عظمت و زیبائی که دارد بر اثر عوامل خارجی و فشار زیاد گنبدها گرفتار خرابی و پیش بر آمدگی های سخت گردیده است. خوشبختانه در روزگار ما بناغلی عبدالله خان وکیل نائب الحکومهٔ هرات بنابر حس ترقی خواهی و عرفان دوستی که دارد برای ترمیم و آبادی این بنای معظم باجدیت هرچه تمامتر اقدامات شایانی نموده از سه سال باینطرف کار تعمیر و ترمیم قسمت های خارجی و داخلی مسجد

[۱] برای اطلاع از تولیت مسجد و کتابخانه و کتب و تبرکاتی که بوسیله فخری پاشای مرحوم یادگار داده شده بود رجوع کنید به جلد اول آثار هرات تالیف فاضل دانشمند آقای خلیل الله خلیلی .

درجریان ودروازهٔ بزرگ آن سرازنو تعمیر و آبادشده و کاشی کاری آن که بکلی ازبین رفته بود باهمان نقش ورنگ واسلوب بتوسط حاجی اسماعیل خان بناکه ازاحفاد بنائی هروی است درخود هرات فراهم ودرشرف انجام است امیداست که تعمیرات اساسی آن نیز بتوجه حکومت غمخوار ومعارف دوست ومراقبت وجدیت وکیل نائب الحکومه که برای عمرانات وآبادی وشئون هرات عشق مفرط وشور فراوان دارد روی کار آمده وباین وسیله عظمت وشکوه دیرین این مسجد جامع تاریخی راتجدید ودوران تازه برین بنای قدسی که ازعالی ترین بناهای مذهبی بشمار میرود ببخشد .

«گویا اعتمادی»

این مقاله در ثور ۱۳۲۵ نوشته شده
و در شماره ٤ سال ٤ مجله آریانا درج است

گنبد سبز

یا مقبره سلاطین تیموری هرات

از بناهای گوهرشاد آغا ملکه هرات که بانوی با فضل و دانش بوده و علما و فضلا و شعرا و هنروران از احمایت و تربیه می نموده و مدنیت و عمرانات آن عصر هرات مدیون مساعی جمیله و تشویق او بوده مدرسه و عمارتی است که در وقت حیات او بنام خودش مدرسه گوهرشاد آغا یا مدرسه مهد علیا و بعد بنام بیت المغفره و اکنون که مخروبهٔ از ان باقیست بنام گنبد سبز در بین مردم هرات مشهور است این مدرسه و بنای محتشم یکی از مجلل ترین و باشکوه ترین بناهای هرات در ان عصر محسوب می شده و بهترین نماینده ذوق و صنعت هنروران دورهٔ تیموری چه از لحاظ بنائی کاشی کاری و چه از حیث نقاشی و کتیبه نویسی و میناکاری بوده است چنانچه عبدالرزاق سمرقندی مورخ دربار شاهرخ در مطلع السعدین که وقایع چشم دید سلطنت شاهرخ و اولاد او را نوشته

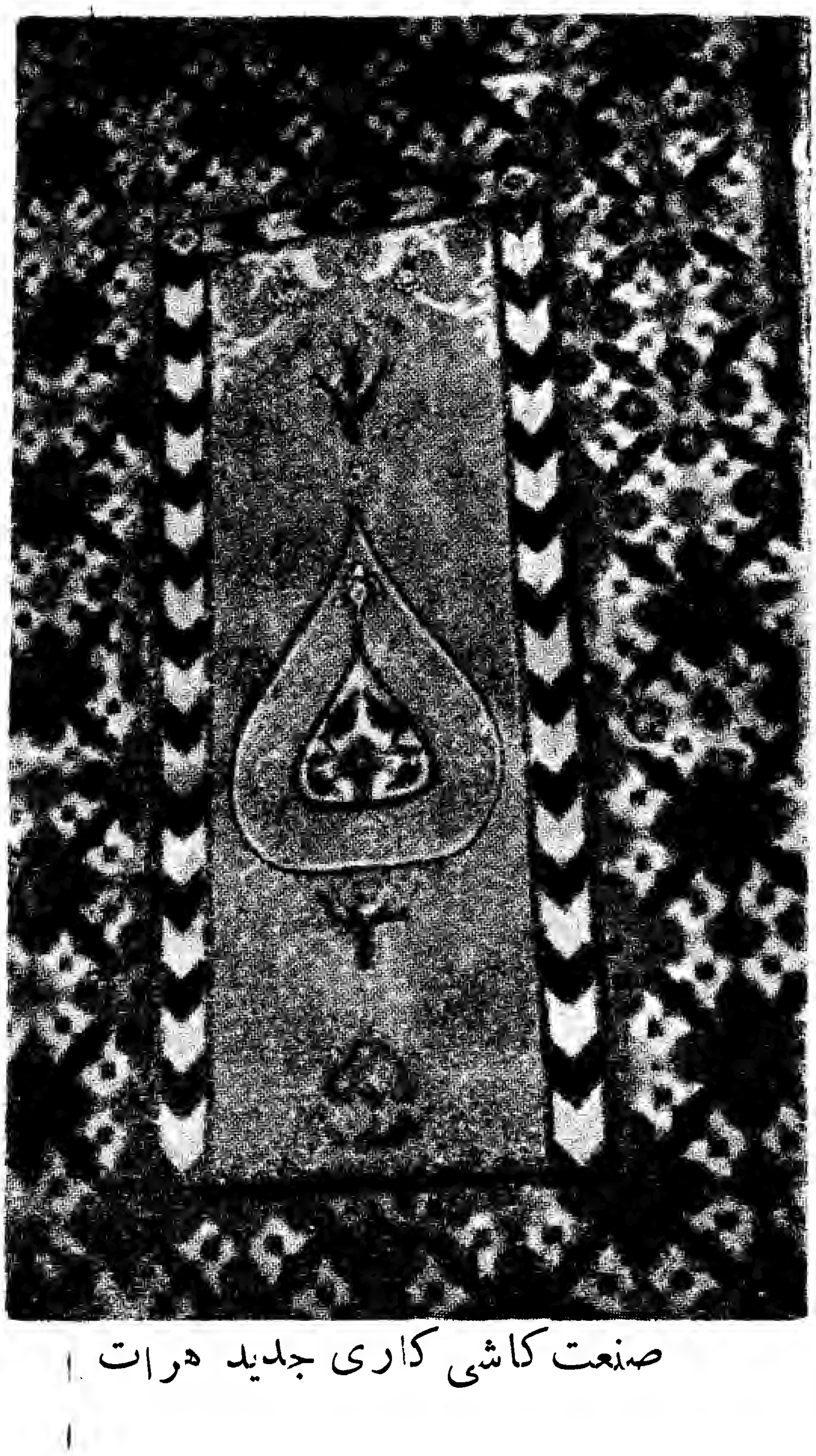

صنعت کاشی کاری جدید هرات

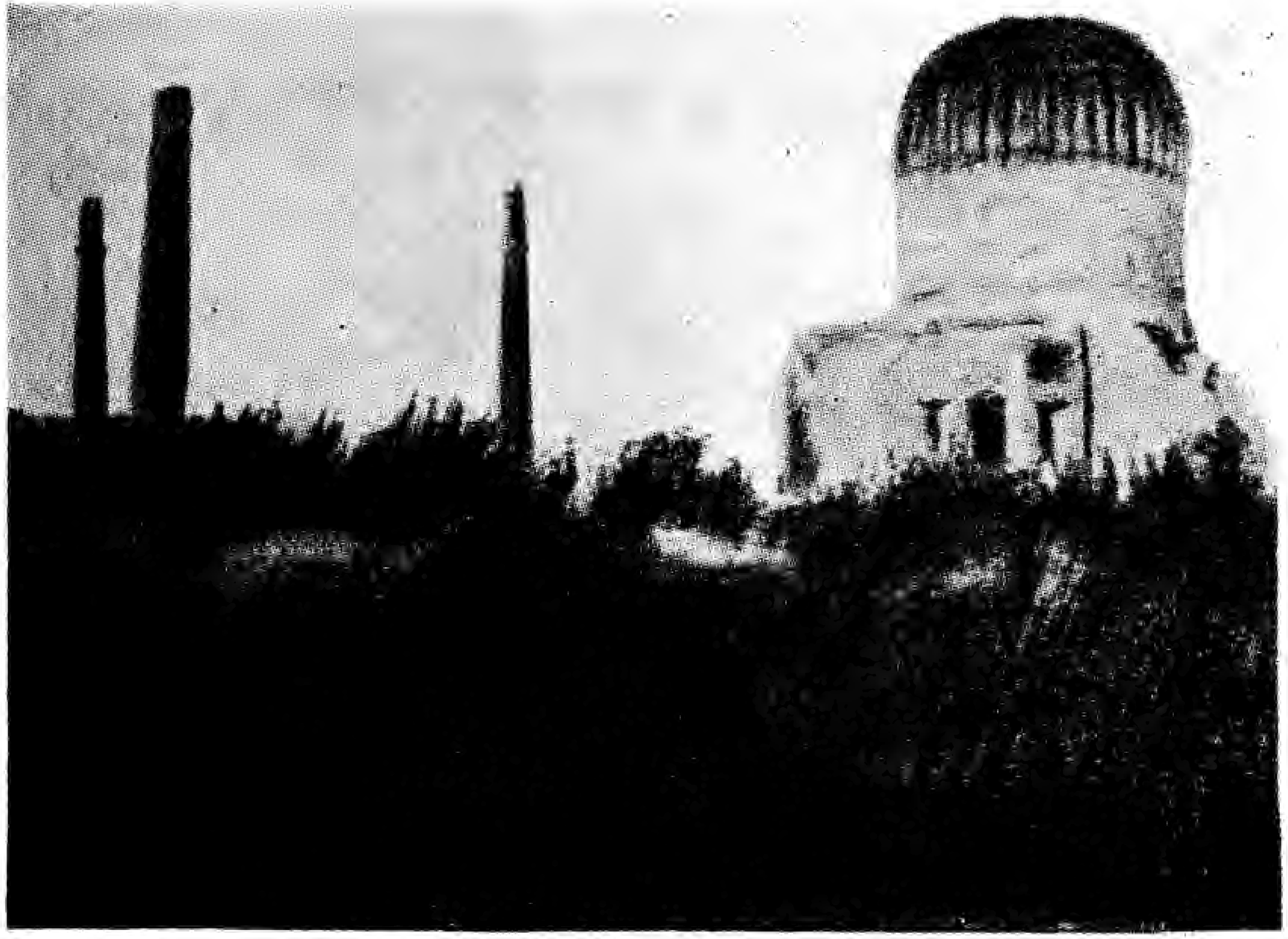

گنبد سبز

است درخصوص این بنای مجلل مینویسد:

«درین سال مدرسه عالی وعمارت متعالی که مهدعلیا گوهرشاد آغا درشمال شهردرسرپل انجیل ساخته بود تمام شدوآن عمارتیست که درمعمورهٔ عالم نظیر ندازد»

یك لوحه سنگ مرمر قشنگی که کتیبه این بنا بوده و تاریخ بنای مدرسه بخط ثلث جلی بقلم خطاط معروف آن عصر جعفرجلال هروی برآن نوشته شده واکنون درموزیم هرات موجوداست نشان میدهد که آغاز تعمیر این مدرسه در ۸۲۰ هجری و تاریخ اتمامش در ۸٤۱ بوده یعنی درمدت ۲۱ سال بانجام رسیده است این مدرسه را گوهرشاد آغا ملکه هرات که دخترغیاث الدین ترخان وزوجه محبوب شاهرخ ومادر میرزا الغ بیگ وبایسنقر ومحمدجوکی بوده بنا برعلم دوستی و دانش پروری که داشته درزمان سلطنت شوهرخود شاهرخ میرزا برای دانشمندان وطلاب که ازهرطرف برای تحصیل درین مهدعلم ودانش می آمدند ازمال خالص خود بنا نمود ومدرسین عمده واستادان هرات را برای تدریس درین مدرسه مانند شیخ شهاب الدین بسطامی ومولانای اعظم شمس الدین محمد بن اوحد معین نمودوکتابخانه بسیار بزرگی مملوازکتب متنوعه درین مدرسه الحاق نمود وهمچنین شفاخانه وشبستان برای طلاب ودارالضیافه برای واردین ومسافرین ودارالمساکین برای غربا ضمیمه این مدرسه نمودازیك نسخه خطی که درسنه ۸٦۱ یعنی سال وفات گوهرشاد بانی این مدرسه نوشته شده وحاوی وقفنامه هاست از وقف نامه مشارالیها

که در این نسخه است معلوم می شود که زمین های مزروعی و باغ های مثمر و آسیاب ها و دکان ها در هرات و تربت جام و فوشنج (زنده جان حالیه) که از مال و ملك خالص او بوده وقف این بناها و مدرسه بوده است مهندس و معمار این بنا قوام الدین شیرازی است که در اول شعبان ۸۴۲ هجری وفات نموده(۱)

برعلاوه این استاد، معماران و حجاران و کاشی کاران و نقاشان و خطاطان ماهر را از هرجا طلبیده و با تشویق و اعطای انعامات وافره وصرف مبالغ بسیار از مال خالص خود این بنای مجلل را بکمال زیبائی بانجام رسانده است رواق های بلند و دیوارهای ضخیم و محیط و منارهای زیبا و گلدسته ها و گنبدهای این مدرسه عموماً بکاشی های رنگارنگ و مینا و خاتم منقش بوده و به نقش و خط نقاشان و خطاطان ظریف کار آن عهد مزین بوده و اکثر خطوط و نقوش و کتیبه های این مدرسه بخط خطاط نام دار و نقاش ماهر هرات جعفر جلال و میرك هروی بوده است و در جوار این مدرسه گنبد بسیار زیبا و با شکوهی برای مدفن خود و شاهرخ شوهر عزیز خویش و پسران خود ساخته بود که

---

(۱) استاد قوام الدین افسر مهندسان و معماران بود و عمارات ملکه گوهرشاد در هرات همه از کارهای اوست حکایت مشهور است و برزبان ها جاری که وقتی سلطان شاهرخ بسببی از کارهای مهندسی ازوی رنجید مدت یك سال اورا در دربار خود راه نداد چون استاد قوام الدین درعلم نجوم نیز ماهر بود تقویمی استخراج کردو با جازه پادشاه بحضورش تقدیم نمود پادشاه تبسم نمود این بیت را برای او خواند:

تو کار زمین و انکو ساختی   که برآسمان نیز پرداختی

قوام الدین در اول شعبان سنه ۸۴۲ وفات نمود (ص ۱۴۸ جزء ۳ ج ۳ حبیب السیر طبع بمبئی)

منار و مقبرهٔ گوهرشاد

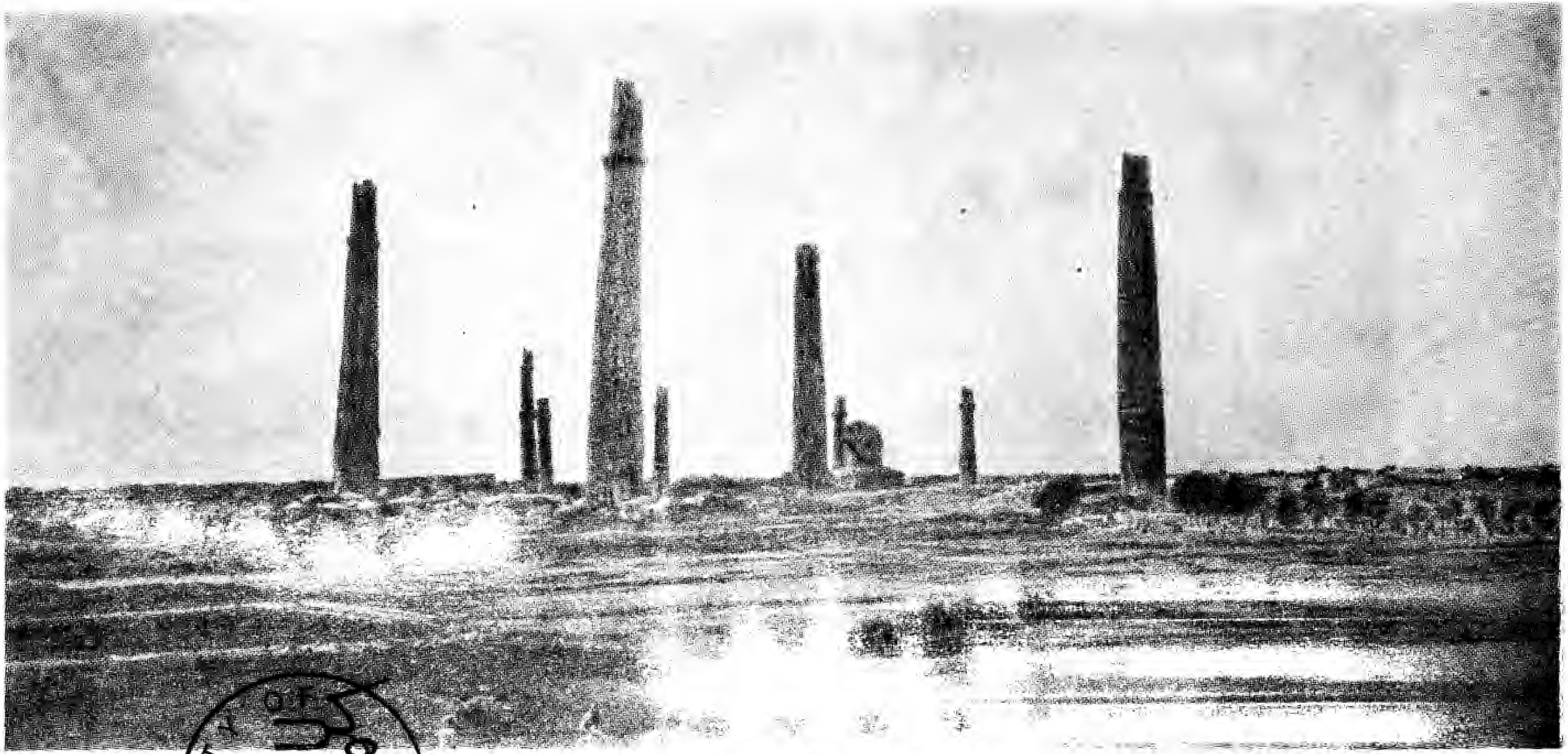

دورنمای مسجد مصلا درخیابان

PROPERTY OF ACKU 3004

اکنون قسمتی ازان گنبد باقی وبنام گنبد سبز مشهور است این گنبد مدفن یك ملکه وهشت نفر ازسلاطین شهزادگان تیموری است بشرح ذیل :

۱ـ بایسنغر بن شاهرخ که درسنه ۸۳۶ وفات نمود وتابوت اورا از باغ سفید برداشته تا مدرسه گوهرشاد آغا که مدفن او آنجامقرر بود آورده دفن نمودند(۱)

۲ـ سلطان احمدبن عبداللطیف بن الغ بیك بن شاهرخ که در ۸۴۸ هجری درین گنبد دفن شده .

۳ـ گوهرشاد آغا که در ۸۶۱ کشته شد ودرهمین گنبد دفن گردید چنانچه عبدالرزاق سمرقندی مولف مطلع السعدین در وقایع ۷۶۲ یك سال بعداز مرگ گوهرشاد نوشته است «میرزا علاءالدوله هفتم جمادی الاخر روزجمعه بعداز نمازازطرف قریه ساق سلمان ظاهر شد . . . . . ودر کوچهٔ خیابان خرامان در آمده بمدرسه ومقبره مهد علیا گوهرشاد آغا فرود آمد ومراسم زیارت بجای آورده عازم باغ زاغان شد» خوند میر درخلاصة الاخبار وبابردرکتاب خاطرات خود همین گنبد رامدفن ملکه گوهرشاد دانسته اند.

٤ـ علاءالدوله بن بایسنغر که در ۸۶۳ هجری درهمین گنبددفن شد .

۵ـ ابراهیم سلطان بن علاءالدوله بن میرزا بایسنغر که درسنه ۸۶۳ درراه مشهد وفات نمود وبقول عبدالرزاق سمرقندی در مطلع : «نعش اورا به هرات رسانیدند ودرششم شوال ۸۶۳ درمدرسه مهدعلیا گوهرشاد آغا درگنبد که مدفن اجداو میرزا یسنغر بود مدفون شد» .

---

(۱) مطلع السعدین ج ۲ ص ۶۵۹ طبع لاهور.

۶ـ شاهرخ سلطان بن ابی سعید بن میرانشاه که در سنه ۸۶۳ در هرات تولد و در ۸۹۸ در همین گنبد دفن گردید.

۷ـ میرزا سلطان محمد بن بایسنغر که بقول عبدالرزاق در مطلع: «در شجاعت و سخاوت نادرهٔ ایام بود در ۸۵۵ بقتل آمد و مدت عمر او ۳۴ سال بود و زمان دولت او ۱۰ سال ۵ سال بطریق نیابت در زمان شاهرخ و پنج سال باستقلال و نعش اورا در دارالسلطنه هرات بمدرسه مهد علیا گوهرشاد آغا در گنبد خوابگاه پدر او مرزا بایسنغر دفن کردند.»

۸ـ میرزا محمد جوگی بن شاهرخ در ۸۶۸ هجری درهمین گنبد دفن شد این مدرسه و مقبره در زمان سلطان حسین میرزا (۱۴۶۸ـ۱۵۰۵ـم) نیز آباد و بارونق و شکوه بوده چنانچه خوند میر در خلاصة الاخبار خود که در ۹۰۶ هجری تصنیف نموده نسبت باین مدرسه نوشته است «به حلیه تکلف و زیور و زینت و وسعت و رفعت مزین و محلی و بوفور فسحت و کثرت متانت از اکثر بقاع این بلدهٔ جنت صفات ممتاز و مستثنی و درین اوقات چهار نفر از علمای پسندیده صفات در آن بقعه فائض البرکات بدرس و افاده قیام و اقدام مینمایند و از موقوفاتش به حظی وافر محظوظ و بهره ور میگردند»

همچنین بابر در ۹۰۹ هجری مدرسه و مقبره را بحال رونق و شکوه خاص دیده و در کتاب خاطرات خود او آن یاد کرده است، کریستی ویلسن در تاریخ صنائع ایران درباره این گنبد نوشته است: «مقبره گوهرشاد هنوز در هرات باقی است و آن بنائیست مربع شکل که گنبد سه مرتبه دارد

اولی برای تزئین فضائی زیر گنبد بکار رفته، گنبد وسطی برای نگاهداری وگنبد خارجی که بدنه های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است. این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده و هفت منارهٔ بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد دو تای آن بمصلای معروف تعلق داشته که گوهر شاد آنرا ساخته بوده - یکی به بنائیکه وصل بمقبره بوده وچهار منارهٔ دیگر بمدرسه سلطان حسین بایقرا که بعداً ساخته شده تعلق دارد، این منارههای بزرگ که با تکههای بزرگ سنگ مرمر که کتیبه روی آنها نقش شده و کاشیکاری که طرحهای مکرر دارد زینت یافته نشان میدهد که معماری و تزئین عصر تیموری تا به چه درجه زیبائی و عظمت رسیده بود، این گنبد سه پوشش دارد پوشش اول آنرا اداشته و پوشش دوم آن بدون راه بوده واز سوراخ سقف دوم گنبد سوم بنظر می آید قسمت زیادی ازین بنا و مدرسه سلطان حسین میرزا با منارهای آن تا شروع سالهای ۱۳۰۳و ۱۳۰۴ آباد و معمور بوده امادرین روزگار جز هفت مناره که آن هم رو بخرابی گذاشته وهمین گنبد که مشهور به گنبد سبز است نشانی از مصلی و مدرسه اصلی باقی نمانده و این گنبد که در جوار مدرسه مذکور بنا یافته بود بحال خرابی و فرسودگی تا هنوز پا برجاست(۱) ودر کتیبه این گنبد اشعاری در مرثیه سلطان بایسنغر بخط بسیار زیبا نگاشته شده بود که از نهایت فرسودگی وخرابی تنها این دو بیت آن خوانده میشد :

---

(۱) در این اواخر برای تسطیح خیابان ها و نهال شانی پارک و ترمیم گنبد و بنای یک قهوه خانه در آنجا از طرف جاغلی ملکیار نایب الحکومه توجه شایانی بکار رفته است.

بسکه رفت از چشم مردم خون دل زین واقعه

خامه را موج سرشك خویش در طوفان نماند

غوطه زد در نیل مصر از مصر گوئی شد عزیز

چین گرفت ابروی چین در چین مگر خاقان نماند

سرور گویا اعتمادی